

«القدس العربی»: اقتدار ایران، عربستان را وادار به عقب نشینی مقابل تهران کرده است

سرویس خارجی: روزنامه فرامطعای «القدس العربی» در گزارشی نوشت: نمایش اقتدار ایران پس از رویارویی اخیر مقتدرانه این کشور مقابل آمریکا و انگلیس در خلیج فارس، و از طرفی، شکست سعودی ها در برابر انصارالله یمن، عربستان را وادار به عقب نشینی مقابل تهران، و آماده گفتگو با ایران کرده است.

روزنامه فرامطعای «القدس العربی» با انتشار گزارشی با این عنوان که «ریاض شروع به عقب نشینی یود پرسودا در برابر ایران کرده»، نوشت: شکست «بن سلمان» در جنگ یمن و همزمان، رویارویی مقتدرانه ایران در برابر آمریکا و انگلیس در خلیج فارس، عربستان را وادار به عقب نشینی مقابل تهران و آماده گفتگو با ایران کرده است.در در گزارش آمده است: در آغاز جنگ یمن در چهار سال پیش، رسانه‌های وقادار به محمد بن سلمان، ولی عهد سعودی ویادویی منتشر کردند که او را در حال فرماندهی جنگی علیه ایران نشان می‌داد، اما این گفتنام پیروزمندانه و از سر اعتقاد به جنگ عربستان در قبال ایران روی داده گشتنام همانند اتفاقی که درباره اعتراضات ریاض در قبال سوریه روی داده نوشته شد.القدس العربی: پیش از روی کار آمدن محمد بن سلمان، عربستان سعودی به رغم خصومت با برخی حکومت‌ها بویژه دربارہ ایران به گفتنام سیاسی و نظامی بسیار متعادل متعهد بود. با روی کار آمدن محمد بن سلمان، به دلیل بیماری پدرش، «سلمان بن عبدالعزیز» اما یک گفتنام نظامی قدرتمند در عربستان پدید آمد که همه را تهدید می‌کرد و آنچه برخی از شاهزادگان سعودی مانند «بندر بن سلطان» مخفیانه علیه برخی از کشورها از جمله ایران انجام می‌دادند، «بن سلمان» علنی کرد.

این روزنامه افزود: عربستان سعودی دو عامل اعتماد به نفس داشت؛ اولی دسترسی ریاض به سلاح‌های ست که به عقیده آن پیچیده است و برتری و در نتیجه پیروزی را تضمین می‌کند، ریز دربارہ کشوری حرف می‌زیم که جزء پنج کشور برتر جهان از نظر خرید تسلیحاتی است. عامل دوم اعتقاد عربستان به حمله بمباران ابلات متعلقه به رهبری دونالد ترامپ به ایران بود به گونه‌ای که فقط منتظر فرصتی برای از بین رفتن برنامه هسته‌ای آن شده بود.

القدس العربی نوشت: واقعیت فعلی ژئوپلیتیکی در خلیج فارس، ایران را به عنوان یک قدرت بلاوامع منطقه ای نشان داده است که بدون لحاظ کردن آن اتخاذ هر تصمیم استراتژیکی در منطقه بسیار دشوار است، از سوی دیگر انصارالله یمن نیز همزمان شروع به کنترل روند جنگ کرده‌است تا جاییکه توان انجام حملات به صنعت نفت عربستان را هم دارد. گذشته از آن، سعودی‌ها اخیرا به خوبی متوجه شده اند که برای واگشتن بسیار دشوار است به دلیل پیامدهای فاجعه آمیز جنگ بر منطقه و خود کشور آمریکا، نزدی را علیه ایران آغاز کنند.ایران روزنامه افزود: موفقیت اخیر ایران در اتمام پهباد جاسوسی غول پیکر بتاکون که اوج صنعت نظامی آمریکا بود و از طرفی، قاطعیت تهران برای مقابله با هرگونه تهدید در خلیج فارس از جمله توقیف یک کشتی انگلیسی همگی موبد علم ورود آمریکا به جنگ علیه ایران است.

این عملیات، نیروهای انصارالله (مکرم‌الدین) را به گفته منابع خبری، در پی آغاز این عملیات، نیروهای نفتکش انگلیسی که به پاسخ به توقیف یک نفتکش ایرانی در تنگه «جبل طارق» صورت گرفت، متوجه شکستی که لندن از تهران محتمل شده است، خواهد شد. زیرا انگلیسی‌ها معمولاً در قبال کشورهایی که به حاکمیت دریایی آنها تعرض می‌کنند، هیچ مسامحه‌ای ندارند و آنها معتقدند با وجود فروپاشی امپراطورشان هنوز ایرانیان در هستند، اما با این بلند برای نخستین بار مجبور شد این توهین را بپذیرد.ایران روزنامه به بخش دیگری از گزارش خود درباره شکست رژیم سعودی در جنگ یمن ادامه داد: بتاکون با آگاهی از جدیت بن بست نظامی سعودی‌ها در یمن و کارآشمان رادار و سامانه پدافند هوایی «آپرتیو» خود را برای راهگیری موشک‌های انصارالله که به خاک عربستان اصابت می‌کنند اعزام کرد.این گزارش می‌افزاید: واگشتن یمن‌دانه که هر گونه پیروزی انصارالله یمن در این جنگ به مزایای پایان حکومت آل سعود است، نیز نیروهای نظامی و افکار عمومی عربستان، رژیمی که عربستان را از کشوری محترم به کشوری «مرکشی» مبدل کرده است، تحمل نمی‌کنند.«القدس العربی» آورده است: در مواجهه با این وضعیت، یعنی پیشرفت انصارالله و شناخته شدن ایران به عنوان قدرت بلاوامع منطقه‌ای در خلیج فارس پس از رویارویی مقتدرانه اخیر این کشور با تهدیدات آمریکا و انگلیس و همچنین با آگاهی از این واقعیت که نه واگشتن از اسرائیل درگیر جنگ علیه ایران می‌شود، عربستان سعودی سیاست عقب نشینی بی سر و صدا مقابل تهران را در نظر گرفته است.در این گزارش آمده است: پس از عقب نشینی عربستان در قبال سوریه، حالا عقب نشینی ریاض در قبال ایران نیز بی سر و صدا شروع شده و سعودی‌ها همچنین حملات خود را علیه انصارالله کاهش داده اند و سعی می‌کنند قبل هر مرتکب جنایع و شتتکاری در یمن نشوند.در پایان این یادداشت آمده است: رسانه‌های سعودی نیز دیگر همانند قبل سیاست توهین و حمله آزاد به ایران را پدایه نمی‌کنند بلکه به منظور آماده سازی فضای گفت‌وگو با رهبران ایران نسبتاً محتاطانه عمل می‌کنند. چون معلوم شد «عموم سام» ابوجا همد جنگی با ایرانی‌ها نیست و از طرفی، امارات هم در این قضیه رادر کرده و از همین روز شروع به عقب نشینی از سر میانه کرده و اکنون برای ریاض، هموار شده است. در اخیر دیگری، یک رسانه آمریکایی در گزارشی نوشت: «محمد بن سلمان»، رهبر عیهد عربستان پس از آنکه به قدرت رسید با زنانی کردن شاهزادگان سعودی و اخذی از آنها، به یک رئیس میلیاردر تبدیل شده است.

سختگوی وزارت خارجه: ایران آماده مساعدت برای بهبود شیخ زکراکی است

سرویس خارجی: سختگوی وزارت امور خارجه گفت که امیدواریم حضور شیخ ابراهیم زکراکی رهبر شیعیمان نیچریه در خارج از کشور به بهتری را برای حل مشکلات چند سال اخیر میان جنبش اسلامی نیچریه و دولت آن به منظور تضمین حقوق شیعیمان، رفع محبودیت‌ها از جنبش و آزادی زندانیان ایجاد کند.

سید عباس موسوی» با اشاره به عزیمت شیخ ابراهیم زکراکی ومهمرش برای درمان به کشور هندوستان گفت: جمهوری اسلامی ایران ضمن حمایت از این روند، آمادگی خود را برای هرگونه مساعدت اعلام می کند. موسوی با ابراز خرسندی از عزیمت شیخ زکراکی و مهمرش برای درمان به کشور هندوستان، ضمن آرزوی بهبودی و بازگایی سلامتی کامل وی، اظهار داشت: امیدواریم حضور آقای زکراکی در خارج از کشور فرصت بهتری را برای حل مشکلات چند سال اخیر میان جنبش اسلامی نیچریه و دولت به منظور تضمین حقوق شیعیمان، رفع محبودیت‌ها از جنبش و آزادی زندانیان ایجاد کند.موسوی افزود: جمهوری اسلامی ایران ضمن حمایت از این روند اقدامی خود را برای هرگونه مساعدت اعلام می کند. وی دیگر اینکه هواییمای حامل شیخ ابراهیم زکراکی که فرودگاه بین‌المللی

صاحب امتیاز: شرکت ارتباطی آپا (مؤسسه اطلاعات مدیر مسئول: سیدمحمود دعائی سردبیر: علیرضا خانی نشانی: تهران - بلوار میرداماد - خیابان مصطفی جنوبی (نفت سابق) ساختمان اطلاعات - کدپستی ۱۵۴۹۴۵۳۱۱۱ (تهران) پست تصویری تحذیریه ۲۲۲۵۸۰ تلفن: ۲۹۹۹۹۹ نامبار آگهی‌ها ۰۱۹۶۲۱۲۲۵۸۰ تلفن پذیرش آگهی‌ها ۰۱۸-۲۲۲۵۸۰۱۲۰۰ نشانی اینترنت: http://www.ettelaat.com پست الکترونیکی: ettelaat@ettelaat.com منشور اخلاقی: http://www.ettelaat.com/ftp/manshoor.pdf

نخستین حمله زمینی انصارالله به مواضع ائتلاف سعودی در جنوب یمن

از استان‌های جنوبی از جمله «عدن»، «الحج» و بخش‌هایی از «الضالع» و سپس بخش‌هایی از «تعز»عقب‌نشینی کردند.در همین حال، ارتش و کمیته‌های مردمی یمن طی عملیاتی در

سرویس خارجی: نیروهای ارتش و انصارالله یمن برای اولین بار در چهار سال گذشته، عملیات پیروزمندگانه‌ای را در جنوب یمن به‌پوشه است و نشان می‌دهد نیروهای انصارالله و ارتش جبهه جدیدی را در جنوب یمن باز کرده‌اند.طبق این گزارش، این عملیات از استان «الضعا» در مرکز یمن و از چندین محور آغاز شده‌است و هم اکنون درگیری‌های سنگینی در «السرا» واقع در منطقه «یافع» در جریان است، همچنین محور دیگر این عملیات در بلندی‌های اجبل «صبر» و منطقه «اریشن» در شمال شرق «یافع» در جریان است.

به گفته منابع خبری، در پی آغاز این عملیات،نیروهای انصارالله (مکرم‌الدین) را به گفته منابع خبری، در پی آغاز این عملیات، نیروهای نفتکش انگلیسی که به پاسخ به توقیف یک نفتکش ایرانی در تنگه «جبل طارق» صورت گرفت، متوجه شکستی که لندن از تهران محتمل شده است، خواهد شد. زیرا انگلیسی‌ها معمولاً در قبال کشورهایی که به حاکمیت دریایی آنها تعرض می‌کنند، هیچ مسامحه‌ای ندارند و آنها معتقدند با وجود فروپاشی امپراطورشان هنوز ایرانیان در هستند، اما با این بلند برای نخستین بار مجبور شد این توهین را بپذیرد.ایران روزنامه به بخش دیگری از گزارش خود درباره شکست رژیم سعودی در جنگ یمن ادامه داد: بتاکون با آگاهی از جدیت بن بست نظامی سعودی‌ها در یمن و کارآشمان رادار و سامانه پدافند هوایی «آپرتیو» خود را برای راهگیری موشک‌های انصارالله که به خاک عربستان اصابت می‌کنند اعزام کرد.این گزارش می‌افزاید: واگشتن یمن‌دانه که هر گونه پیروزی انصارالله یمن در این جنگ به مزایای پایان حکومت آل سعود است، نیز نیروهای نظامی و افکار عمومی عربستان، رژیمی که عربستان را از کشوری محترم به کشوری «مرکشی» مبدل کرده است، تحمل نمی‌کنند.«القدس العربی» آورده است: در مواجهه با این وضعیت، یعنی پیشرفت انصارالله و شناخته شدن ایران به عنوان قدرت بلاوامع منطقه‌ای در خلیج فارس پس از رویارویی مقتدرانه اخیر این کشور با تهدیدات آمریکا و انگلیس و همچنین با آگاهی از این واقعیت که نه واگشتن از اسرائیل درگیر جنگ علیه ایران می‌شود، عربستان سعودی سیاست عقب نشینی بی سر و صدا مقابل تهران را در نظر گرفته است.در این گزارش آمده است: پس از عقب نشینی عربستان در قبال سوریه، حالا عقب نشینی ریاض در قبال ایران نیز بی سر و صدا شروع شده و سعودی‌ها همچنین حملات خود را علیه انصارالله کاهش داده اند و سعی می‌کنند قبل هر مرتکب جنایع و شتتکاری در یمن نشوند.در پایان این یادداشت آمده است: رسانه‌های سعودی نیز دیگر همانند قبل سیاست توهین و حمله آزاد به ایران را پدایه نمی‌کنند بلکه به منظور آماده سازی فضای گفت‌وگو با رهبران ایران نسبتاً محتاطانه عمل می‌کنند. چون معلوم شد «عموم سام» ابوجا همد جنگی با ایرانی‌ها نیست و از طرفی، امارات هم در این قضیه رادر کرده و از همین روز شروع به عقب نشینی از سر میانه کرده و اکنون برای ریاض، هموار شده است. در اخیر دیگری، یک رسانه آمریکایی در گزارشی نوشت: «محمد بن سلمان»، رهبر عیهد عربستان پس از آنکه به قدرت رسید با زنانی کردن شاهزادگان سعودی و اخذی از آنها، به یک رئیس میلیاردر تبدیل شده است.

سرویس خارجی: مقامات اسرائیلی اعلام کردند که دو پهباد از غزه به منطقه مرزی در اراضی اشغالی نفوذ کردند.

روزنامه عبری زبان یادیوت آهارونوت نوشت: این دو پهباد بعد از آنکه به منطقه مرزی نفوذ کردند، فوراً به غزه بازگشتند. شبکه الجزیره هم اعلام کرد این دو پهباد متعلق به حماس به راحتی در آسمان اسرائیل پرواز کردند بدون آنکه هدف قرار گیرند. روزنامه اسرائیلی ایوم ییز ژانویه ۲۰۱۹ اعلام کرد که پهبادهای ناآشناس توانستند از یکی از پایگاه‌های حماس ارتش اسرائیل عکس‌برداری کنند. در چنین شرایطی تلویزیون رژیم صهیونیستی اعلام کرد، ارتش این رژیم اشغالگر درصدد احداث دیوار امنیتی جدید به عنوان حلقه دفاعی دوم در مرزهای نوار غزه است.

این شبکه اعلام افزود، دیوار جدید در کنار دیوار دیگری که در حال حاضر در مرزهای غزه قرار دارد، در عمق اراضی اشغالی و نزدیک شهرک‌های



شیخ زکراکی برای ادامه روند درمان وارد هند شد کشور، با تقاضای وکلای شیخ برای درمان در بیمارستانی پیشرفته در دهلی نو موافقت کرد. در این حال جنبش اسلامی نیچریه طی بیانیه‌ای با تأیید سفر شیخ زکراکی به هند اعلام کرد که وی در این کشور تحت درمان فوری پزشکی قرار خواهد گرفت. جنبش اسلامی نیچریه در خصوص سفر شیخ زکراکی رهبر این جنبش به هندوستان بیانیه‌ای صادر کرد که در آن آمده است:«بسیار خرسند هستیم که ما از این روز مبارک عید قربان، شیخ زکراکی و مهمرش در این مسیر قدر دارانند تا در آنجا در

اطلاعات

سال نود و چهارم

از استان «عسیر» عربستان را هدف قرار دادند. منابع یمنی همچنین از شلیک یک فروند موشک زژال به مواضع متجاوزان سعودی در «انجران» عربستان خبر دادند.



در مقابل، جنگنده های رژیم سعودی نیز به صورت گسترده واگشت «الحیدیه» یمن را بمباران کردند.طبق اعلام رسانه های عربی، جنگنده های رژیم سعودی به صورت گسترده استان «الحیدیه» به ویژه منطقه «التحیتا» در این استان را بمباران کردند.

در چنین شرایطی، سخنگوی رسمی ارتش و کمیته‌های مردمی یمن اعلام کرد: در پی سقوط پهبادی یمنی‌ها نیز بار دیگر پایگاه هوایی «ملک خالد» رژیم سعودی و

نفوذ پهبادهای حماس به خاک اسرائیل در میان بهت و حیرت صهیونیست‌ها

مرزی همجوار شمال شرق منطقه غزه تا منطقه ناحل عوزرویری مرکز غزه سرانجام می‌شود.هدف از ساخت دیوار جدید، حفاظت از شهرک‌ها و خیابان‌های اراضی اشغالی نزدیک به مرزها، حفظ آنها در برابر موشک‌های ضد تانک و ممانعت از نفوذ فلسطینیان به این مناطق است. شبکه الجزیره هم اعلام کرد، ارتش رژیم صهیونیستی اوایل سال ۲۰۲۰به ساخت این دیوار بتی مستحکم در رژیمی اشغالگر مرزهای غزه به طول ۳۶۰کیلومتر پایان می‌دهد و ایمن و سیسوار از بالا و زیر زمین ده‌ها متر امتداد خواهد داشت.

خبر دیگر اینکه رئیس پارلمان کویت تأکید کرد یورش نظامیان رژیم اشغالگر اسرائیل به نمازگران فلسطینی در مسجدالاقصی در روز جدر فربان، زوار فراخان‌های جعلی به صلح و طرح‌های پوچ سلاش‌از با این رژیم را ثابت کرد.پس از تعرض به نمازگران در مسجدالاقصی در صبح روز عید قربان، «امروز الغانم» رئیس پارلمان کویت، بر

چهارشنبه ۲۳ مرداد ۱۳۹۸ ۱۲ ذی‌الحجه ۱۴۴۰-۱۴ آگوست ۲۰۱۹

ظاهر شرعی ۰۹۱۳ دقیقه غروب آفتاب ۰۹۱۹ دقیقه آذان مغرب ۱۵۲۰ دقیقه نیمه شب شرعی (پایان وقت ادای نماز صتا) ۲۳:۰۰ دقیقه آذان صبح (فردا) ۰۵:۰۴ دقیقه طلوع آفتاب (فردا) ۲۳:۰۶ دقیقه

نخستین حمله زمینی انصارالله به مواضع ائتلاف سعودی در جنوب یمن

داد و گفت‌و: در آینده نزدیک از نیروهای پدافند هوایی و روند یوربه‌شد مستمر دفاع هوایی سخن خواهند گفت: روندی که پدافند هوایی را قادر می‌سازد در سطوحی



«دی» امارات که به اظهارات جنجالی اش معروف است، در توتیت جدید خود نوشت: دفاع از دولت «مصور» هادی، «دولت مستعفی یمن» که ائتلاف سعودی – اماراتی آن را توجیهی برای جنگ یمن قرار داد، به واقع انگیزه امارات برای حضور در این جنگ نبوده‌است زیرا آنها ارزش دفاع ندارند.

همزمان با این تحولات، برخی منابع گفتند: ولیعهد سعودی تلاش بسیاری برای حل و فصل موضوع «تنه اعلام» دارد و در این راستا توقافات اولیه از ارائه برخی امتیازات قابل توجه به «شورای انتقالی جنوب» حکایت دارد.روزنامه «اخبار ایوم»، به نقل از منابع خود مدعی شد که در دیدار میان عبد ربه منصور هادی، با شاه سعودی، طرفین بر سر برگزاری نشست سه‌گانه با حضور امارات برای حل و فصل اختلافات در «عدن» توافق کرده اند.

به گفته این منبع، در این نشست سه‌گانه، «محمد بن سلمان» ولیعهد سعودی، «محمد بن زاید» ولیعهد امارات و «عبد رب منصور هادی» از طرف دولت مستعفی یمن شرکت خواهند کرد. به ادعای منابع خبری، ولیعهد سعودی تلاش کرده تا دولت «مصور» هادی و «شورای انتقالی جنوب» تقسیم قدرت میان خود را بپذیرند. «اخبار ایوم» به نقل از منابع مذکور آورده است: شورای انتقالی در دولت جدید که قرار است تشکیل شود مشارکت خواهد داشت و چهار وزارتخانه از جمله وزارت کشور را به دست خواهد آورد.

آمریکا و ترکیه برای کنترل منطقه امن در شمال سوریه، به مرکز عملیات مشترک تشکیل دادند

سرویس خارجی: همزمان با سفر یک هیأت آمریکایی به جنوب ترکیه و مذاکرات نهایی با مقامات این کشور، پایگاهی موسوم به «مرکز عملیات مشترک» دو کشور برای کنترل منطقه امن در شمال سوریه تأسیس شد.

یک هیأت آمریکایی روز گذشته برای نهایی کردن مفاد توافق با ترکیه بر سر طرح ایجاد منطقه امن در شمال سوریه وارد استان شانللی اوزرا» شد و با مقامات این کشور مذاکره کرد. به گزارش خبرگزاری «اناتولی»، وزارت دفاع ترکیه با انتشار بیانیه‌ای درباره مذاکرات با طرف آمریکایی، از تأسیس «مرکز عملیات مشترک» به‌عنوان پایگاهی برای هماهنگی و اداره منطقه امن در شمال سوریه خبر داد. این وزارتخانه با بیان اینکه توافق با هیأت شش نفره آمریکایی شامل برداشتن کامیابی جهت رفع نگرانی‌های امنیتی ترکیه در خصوص مرزهای جنوبی این کشور است، افزود: انتظار داریم مرکز عملیات مشترک طی روزهای آینده عملیاتی شود. این گفت‌وگوها در ادامه ملاکات هفته قبل بین مقامات آنکارا و واشنگتن است. در آن زمان توافق کردند ضمن ایجاد منطقه امن در شمال سوریه، همسری موسوم به «گذرگاه صلح» جهت تسهیل بازگشت آوارگان سوری به کشورشان در این منطقه ایجاد شود. وزیر دفاع ترکیه دو روز قبل به آمریکایی‌ها هشدار داده بود اگر در عملی کردن کامل مفاد توافق منطقه امن در شمال سوریه خدش وارد کند، آنکارا از تقصیم‌های جایگزینی دارد که بکجابه اعمال خواهد کرد.

پاکستان، جنگنده‌های خود را در مرز هند مستقر کرد

سیدعباس موسوی سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران هم با توجه به اخبار منتشرشده درباره شرایط امنیتی حاکم بر مناطق مختلف شبه‌جزیره خلیج فارس، گفت: «کشمیر را با حمایت چین به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع می‌دهد، به آن زمان توافق کردند ضمن ایجاد منطقه امن در شمال سوریه، همسری موسوم به «گذرگاه صلح» جهت تسهیل بازگشت آوارگان سوری به کشورشان در این منطقه ایجاد شود. وزیر دفاع ترکیه دو روز قبل به آمریکایی‌ها هشدار داده بود اگر در عملی کردن کامل مفاد توافق منطقه امن در شمال سوریه خدش وارد کند، آنکارا از تقصیم‌های جایگزینی دارد که بکجابه اعمال خواهد کرد.

به‌رمنند شوند.

های «جی اف-۱۷» و سایر تجهیزات خود را به پایگاه اسکاردو منتقل کردند. در چنین شرایطی، دولت پاکستان، عملیات محدودیت‌های مذهبی در خاک کشمیر و جلوگیری از برگزاری آیین‌های عید قربان از سسوری هند را محکوم و بر بیانیه ای اعلام کرد: حکومت پاکستان با آزادی مذهبی، مغایر با قوانین بین‌المللی و نقض صریح اصول حقوق بشر است.«آدم سجد خان» سفیر پاکستان در واشنگتن گفت: کشمیر و همچنین افزایش تنش‌ها میان هند و پاکستان در منطقه کشمیر ابراز نگرانی کرد.

سرویس خارجی: نشریه «فرانکفورت» می‌دهد که فعالیت‌های خشونت‌آمیز و غیرقانونی‌ری در پیشش گرفته و رفاه و ثبات هنگ‌کنگ را تضعیف کرده‌اند.

وی با بیان این که هنگ‌کنگ جزیری از کشور است و امر و امر کاملاً مورد داخلی چین محسوب می‌شود، تأکید کرد: ما از آمریکا می‌خواهیم نگاهی به قوانین بین‌المللی و قواعد اصلی حاکم بر روابط بین‌المللی بیندازد و یک‌بار برای همیشه دخالت در امور داخلی چین را متوقف کند.

اعلام آمادگی شورای نظامی سودان برای تشکیل دولت مدنی

رئیس شسورای نظامی سودان با حمایت از توقافنامه قانون اساسی این کشور در سخنانی گفت: این شورا آمادگی دارد تا دولت مدنی در خارطوم تشکیل شودوی که به مناسبت فرا رسیدن عید قربان سخنرانی می‌کرد، خطاب به ملت سودان گفت: همه باید آماده ورود به مرحله جدید در سودان باشیم، همه باید برای رشد، توسعه و سازندگی کشور آماده باشیم تا سودان به اهداف و منافع عالی خود دست پیدا کند.

کوکاگاه ایران میں امنی چھان

ظریف: دنیا مدیون مقاومت اسلامی لبنان در برابر تروریسم تکفیری است

فارس: وزیر امور خارجه ایران با تأکید بر اینکه حزب الله امکان شکست رژیم صهیونیستی را به دنیا ثابت کرد، افزود: دنیا مدیون مقاومت لبنان دربرابر تروریسم تکفیری و استکبار رژیم صهیونیستی است. محمد جواد ظریف به مناسبت سیزدهمین سالروز پیروزی مقاومت اسلامی لبنان در جنگ ۳۳ روزه برابر رژیم اشغالگر صهیونیستی در گفت‌وگو با رسانه «العهد» لبنان این روز را به مردم، رهبری و حزب الله لبنان تبریک گفت و تأکید کرد: ملت لبنان و مقاومت اسلامی این حقیقت را به جهانیان ثابت کردند که شکست رژیم صهیونیستی ممکن است و این رژیم نمی‌تواند هر وقت بخواهد در منطقه جنگ به راه انداخته و همه ملت‌های منطقه را بریزد. وی پیروزی مقاومت در لبنان را پیروزی برای همه منطقه و حقوق بین الملل و مناسبات سالم بین المللی توصیف کرد و گفت: ملت‌های منطقه و دنیا مدیون مقاومت ملت لبنان و مقاومت اسلامی و حزب الله هستند که در برابر استکبار رژیم صهیونیستی ایستادانه و همچنین به مقابله با تروریسم تکفیری دأش رفتند و علیه این خطر تروریستی تکفیری که بالای برای دنیا بود مقاومت کردند.

روزنامه روس: ایران دست بر تر را در تأمین امنیت خلیج فارس دارد

تسینم: روزنامه روسی «اراسیسکایا گازیتا» اذکار کرد که ایران کاملاً توانایی تأمین امنیت و کنترل آلودشد کشتی‌های تجاری در منطقه خلیج فارس را دارد و هم‌را در در این رابطه حتی از برتری‌های نیز در مقایسه با ائتلاف غربی به سرکردگی آمریکا برخوردار است. «اراسیسکایا گازیتا» افزود: دربارہ خطر مشارکت اسرائیل در ائتلاف ایجاد شده توسط آمریکا برای حفاظت از آلودشد دریایی در منطقه خلیج فارس هشدار داده و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تأکید کرده که در صورت ضرورت، هر کشتی خارجی از جمله تانک‌های که از سوی نیروی دریایی کشورهای غربی مورد حفاظت قرار دارند، توقیف خواهند شد.

یکه تازی ترامپ در دروغ گفتن به اذعان واگشتن بست

واگشتن بست گزارش داد که رئیس جمهوری آمریکا در بازه زمانی ۹۲۸ روز، بیش از ۱۲ هزار ادعای دروغ با گمراه‌کننده مطرح کرده است. واگشتن بست در گزارشی نوشت که ترامپ در بازه زمانی دو و نیم ساله ریاست‌جمهوری خود (۹۲۸ روز) ۱۲ هزار و ۱۹۰ ادعای دروغین با گمراه‌کننده مطرح کرده است.

تمایل مردم انگلیس به خروج از اتحادیه اروپا

تسنیم: نتایج جدیدترین نظرسنجی نشان می‌دهد اکثر مردم انگلیس بر این باورند که نخست‌وزیر این کشور باید از هر وسیله‌ای برای خارج کردن بریتانیا از اتحادیه اروپا استفاده کند. نظرسنجی انجام‌شده توسط موسسه «کامرس» حاکی است اکثر بریتانیایی‌ها معتقدند یورس جاسون نخست وزیر انگلیس باید این کشور را به هر وسیله‌ای از اتحادیه اروپا خارج کند. این اقدامات شامل تعلیق فعالیت پارلمان باشد. این نظرسنجی نشان می‌دهد بیش از ۵۴ درصد مردم بریتانیا اعلام کرده‌اند موافق اظهارات جاسون مبنی بر اتخاذ هر وسیله‌ای برای خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا هستند.

عامل حمله به مسجد نروژ با صورت کود به دادگاه رفت

اینا: «قیلیپب سنهاس» عامل حمله به مسجدی در اسلو پایتخت نروژ، با صورتی کود و گردنی زخمی در دادگاه حاضر شد. این متهم ۳۱ ساله نروژی همچنین به تلاش برای قتل خواهر ناتنی نوجوانش متهم است. سنهاس متهم است که روز شنبه این هفته با سلاح گرم به مرکز اسلامی النور در غرب اسلو حمله کرد هنگام حمله تنها سه نفر در مرکز بودند که یکی از آنها قبل از رسیدن پلیس، متهم را داخل سلاح برد.

روسیا ایوم: قاره آفریقا مصد بعدی داعش است

ایسنا: شبکه خبری روسیا ایوم اعلام کرد: داعش شدیداً سعی دارد طی این مرحله به آفریقا برود و نفوذ حضور خود را در استان شرقی آفریقا پایگاه‌های جایگزین با گذرگاه‌های ان گسترش دهد. ضم فرق، تحلیلگر مسائل مربوط به امور گروه‌های تروریستی در گفت‌وگو با شبکه خبری روسیا ایوم گفت: دلایل متعددی وجود دارد که داعش را به سمت پیشروی به صحرای آفریقا و شبه‌نظامیان مسلح مستقر در داخل کشورهای آفریقا بهره می‌گیرد. دوم، بهره‌گیری از جغرافیای طبیعی کشورهای آفریقایی به ویژه مناطق کوهستانی و بیابانی و ضربه زدن به مراکز و منابع آمریکا و غرب در داخل کشورهای آفریقایی با هدف جریان‌خیزات‌های وارده به این گروهک تروریستی در سوریه و عراق.

رئیس جمهوری سابق قریزستان به تلاش برای کودای متهم شد

ایرنا: رئیس کمیته امنیتی قریزستان اعلام کرد «ایمیک ایتمایف» رئیس جمهوری سابق که هفته گذشته در هجوم نیروهای امنیتی به محل اقامتش در حومه شهر بیشکک پایتخت قریزستان بازداشت شد، قصد به زیر کشیدن دولت با کودتا را داشت. رئیس سازمان امنیت ملی قریزستان گفت: بطور رسمی اعلام می‌کنم که قصد ایتمایف کودتا بود. رئیس جمهوری سابق قریزستان پنجشنبه گذشته در حمله نیروهای امنیتی بازداشت شد.

توهه نوم پرواز های فرودگاه بین المللی هنگ کنگ

فارس: همه پروازهای خروجی فرودگاه بین‌المللی هنگ کنگ به دلیل حضور گسترده معترضان در این شهر، به حالت تعلیق درآمد و پذیرش مسافران در گیت های کنترل بایت متوقف شده است. این برای دومین روز است که فرودگاه هنگ کنگ به دلیل حضور معترضان در آن دچار اختلال در فعالیت‌های روزمره خود شده است. همزمان «کاری لام» رئیس منطقه هنگ‌کنگ هشدار داد در صورتی که اعتراضات خشونت‌آمیز پایان نیابد، پیامدهای خطرناکی به همراه خواهد داشت.

نیوزویک: آمریکا فرمان محدود شدن عملیات نظامی محدود طالبان افغانستان

گزارش به نقل از مقام‌های آمریکایی آمده است که نیروهای آمریکایی قندهار است تا مشورت دادن به وزارت دفاع و نیروهای امنیتی افغانستان در متوقف شدن به گفته نیوزویک، مقامات طالبان که نخست‌الزمان نشان فاش شود، گفت‌اند که چگونگی خروج از ولایت نوروها به روند درگیری‌های جاری و ملاکات برای پایان این درگیری‌ها بستگی خواهد داشت.این در حالی است که سرهنگ «سانی لگت» سخنگوی نیروهای آمریکایی در افغانستان گفت: آنچه درباره تغییر در اختیارات و عملیات نیروهای آمریکایی در افغانستان گفته می‌شود، مربوط به نظامیان افغان نباشد.

نداردوی اخبارمنتشرشده درباره محدود شدن عملیات نیروهای آمریکایی در افغانستان را رد کرد و افزود: نه تغییراتی اعمال کردیم. در این حال، منابع غیررسمی اعلام کردیم: ما مذاکراتی بین نمایندگان طالبان و آمریکا داریم. این گفت‌وگوها در جریان آخرین پخشیه در ۱۸ سال گذشته سربازان پشتیبان نظام آمریکا در قندهار افغانستان به بهایهای جاسوسی می‌موسوم به «لک هورنت» مجهز شدنددر چنین شرایطی، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ «لگت» سخنگوی نیروهای آمریکایی در افغانستان گفت: آنچه درباره تغییر در اختیارات و عملیات نیروهای آمریکایی در افغانستان گفته می‌شود، مربوط به نظامیان افغان نباشد.

نداردوی اخبارمنتشرشده درباره محدود شدن عملیات نیروهای آمریکایی در افغانستان را رد کرد و افزود: نه تغییراتی اعمال کردیم. در این حال، منابع غیررسمی اعلام کردیم: ما مذاکراتی بین نمایندگان طالبان و آمریکا داریم. این گفت‌وگوها در جریان آخرین پخشیه در ۱۸ سال گذشته سربازان پشتیبان نظام آمریکا در قندهار افغانستان به بهایهای جاسوسی می‌موسوم به «لک هورنت» مجهز شدنددر چنین شرایطی، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ «لگت» سخنگوی نیروهای آمریکایی در افغانستان گفت: آنچه درباره تغییر در اختیارات و عملیات نیروهای آمریکایی در افغانستان گفته می‌شود، مربوط به نظامیان افغان نباشد.

نداردوی اخبارمنتشرشده درباره محدود شدن عملیات نیروهای آمریکایی در افغانستان را رد کرد و افزود: نه تغییراتی اعمال کردیم. در این حال، منابع غیررسمی اعلام کردیم: ما مذاکراتی بین نمایندگان طالبان و آمریکا داریم. این گفت‌وگوها در جریان آخرین پخشیه در ۱۸ سال گذشته سربازان پشتیبان نظام آمریکا در قندهار افغانستان به بهایهای جاسوسی می‌موسوم به «لک هورنت» مجهز شدنددر چنین شرایطی، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ «لگت» سخنگوی نیروهای آمریکایی در افغانستان گفت: آنچه درباره تغییر در اختیارات و عملیات نیروهای آمریکایی در افغانستان گفته می‌شود، مربوط به نظامیان افغان نباشد.

نداردوی اخبارمنتشرشده درباره محدود شدن عملیات نیروهای آمریکایی در افغانستان را رد کرد و افزود: نه تغییراتی اعمال کردیم. در این حال، منابع غیررسمی اعلام کردیم: ما مذاکراتی بین نمایندگان طالبان و آمریکا داریم. این گفت‌وگوها در جریان آخرین پخشیه در ۱۸ سال گذشته سربازان پشتیبان نظام آمریکا در قندهار افغانستان به بهایهای جاسوسی می‌موسوم به «لک هورنت» مجهز شدنددر چنین شرایطی، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ «لگت» سخنگوی نیروهای آمریکایی در افغانستان گفت: آنچه درباره تغییر در اختیارات و عملیات نیروهای آمریکایی در افغانستان گفته می‌شود، مربوط به نظامیان افغان نباشد.

نداردوی اخبارمنتشرشده درباره محدود شدن عملیات نیروهای آمریکایی در افغانستان را رد کرد و افزود: نه تغییراتی اعمال کردیم. در این حال، منابع غیررسمی اعلام کردیم: ما مذاکراتی بین نمایندگان طالبان و آمریکا داریم. این گفت‌وگوها در جریان آخرین پخشیه در ۱۸ سال گذشته سربازان پشتیبان نظام آمریکا در قندهار افغانستان به بهایهای جاسوسی می‌موسوم به «لک هورنت» مجهز شدنددر چنین شرایطی، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ «لگت» سخنگوی نیروهای آمریکایی در افغانستان گفت: آنچه درباره تغییر در اختیارات و عملیات نیروهای آمریکایی در افغانستان گفته می‌شود، مربوط به نظامیان افغان نباشد.

نداردوی اخبارمنتشرشده درباره محدود شدن عملیات نیروهای آمریکایی در افغانستان را رد کرد و افزود: نه تغییراتی اعمال کردیم. در این حال، منابع غیررسمی اعلام کردیم: ما مذاکراتی بین نمایندگان طالبان و آمریکا داریم. این گفت‌وگوها در جریان آخرین پخشیه در ۱۸ سال گذشته سربازان پشتیبان نظام آمریکا در قندهار افغانستان به بهایهای جاسوسی می‌موسوم به «لک هورنت» مجهز شدنددر چنین شرایطی، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ «لگت» سخنگوی نیروهای آمریکایی در افغانستان گفت: آنچه درباره تغییر در اختیارات و عملیات نیروهای آمریکایی در افغانستان گفته می‌شود، مربوط به نظامیان افغان نباشد.

نداردوی اخبارمنتشرشده درباره محدود شدن عملیات نیروهای آمریکایی در افغانستان را رد کرد و افزود: نه تغییراتی اعمال کردیم. در این حال، منابع غیررسمی اعلام کردیم: ما مذاکراتی بین نمایندگان طالبان و آمریکا داریم. این گفت‌وگوها در جریان آخرین پخشیه در ۱۸ سال گذشته سربازان پشتیبان نظام آمریکا در قندهار افغانستان به بهایهای جاسوسی می‌موسوم به «لک هورنت» مجهز شدنددر چنین شرایطی، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ «لگت» سخنگوی نیروهای آمریکایی در افغانستان گفت: آنچه درباره تغییر در اختیارات و عملیات نیروهای آمریکایی در افغانستان گفته می‌شود، مربوط به نظامیان افغان نباشد.

نداردوی اخبارمنتشرشده درباره محدود شدن عملیات نیروهای آمریکایی در افغانستان را رد کرد و افزود: نه تغییراتی اعمال کردیم. در این حال، منابع غیررسمی اعلام کردیم: ما مذاکراتی بین نمایندگان طالبان و آمریکا داریم. این گفت‌وگوها در جریان آخرین پخشیه در ۱۸ سال گذشته سربازان پشتیبان نظام آمریکا در قندهار افغانستان به بهایهای جاسوسی می‌موسوم به «لک هورنت» مجهز شدنددر چنین شرایطی، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ «لگت» سخنگوی نیروهای آمریکایی در افغانستان گفت: آنچه درباره تغییر در اختیارات و عملیات نیروهای آمریکایی در افغانستان گفته می‌شود، مربوط به نظامیان افغان نباشد.

نداردوی اخبارمنتشرشده درباره محدود شدن عملیات نیروهای آمریکایی در افغانستان را رد کرد و افزود: نه تغییراتی اعمال کردیم. در این حال، منابع غیررسمی اعلام کردیم: ما مذاکراتی بین نمایندگان طالبان و آمریکا داریم. این گفت‌وگوها در جریان آخرین پخشیه در ۱۸ سال گذشته سربازان پشتیبان نظام آمریکا در قندهار افغانستان به بهایهای جاسوسی می‌موسوم به «لک هورنت» مجهز شدنددر چنین شرایطی، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ «لگت» سخنگوی نیروهای آمریکایی در افغانستان گفت: آنچه درباره تغییر در اختیارات و عملیات نیروهای آمریکایی در افغانستان گفته می‌شود، مربوط به نظامیان افغان نباشد.

نداردوی اخبارمنتشرشده درباره محدود شدن عملیات نیروهای آمریکایی در افغانستان را رد کرد و افزود: نه تغییراتی اعمال کردیم. در این حال، منابع غیررسمی اعلام کردیم: ما مذاکراتی بین نمایندگان طالبان و آمریکا داریم. این گفت‌وگوها در جریان آخرین پخشیه در ۱۸ سال گذشته سربازان پشتیبان نظام آمریکا در قندهار افغانستان به بهایهای جاسوسی می‌موسوم به «لک هورنت» مجهز شدنددر چنین شرایطی، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ «لگت» سخنگوی نیروهای آمریکایی در افغانستان گفت: آنچه درباره تغییر در اختیارات و عملیات نیروهای آمریکایی در افغانستان گفته می‌شود، مربوط به نظامیان افغان نباشد.

نداردوی اخبارمنتشرشده درباره محدود شدن عملیات نیروهای آمریکایی در افغانستان را رد کرد و افزود: نه تغییراتی اعمال کردیم. در این حال، منابع غیررسمی اعلام کردیم: ما مذاکراتی بین نمایندگان طالبان و آمریکا داریم. این گفت‌وگوها در جریان آخرین پخشیه در ۱۸ سال گذشته سربازان پشتیبان نظام آمریکا در قندهار افغانستان به بهایهای جاسوسی می‌موسوم به «لک هورنت» مجهز شدنددر چنین شرایطی، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ «لگت» سخنگوی نیروهای آمریکایی در افغانستان گفت: آنچه درباره تغییر در اختیارات و عملیات نیروهای آمریکایی در افغانستان گفته می‌شود، مربوط به نظامیان افغان نباشد.

نداردوی اخبارمنتشرشده درباره محدود شدن عملیات نیروهای آمریکایی در افغانستان را رد کرد و افزود: نه تغییراتی اعمال کردیم. در این حال، منابع غیررسمی اعلام کردیم: ما مذاکراتی بین نمایندگان طالبان و آمریکا داریم. این گفت‌وگوها در جریان آخرین پخشیه در ۱۸ سال گذشته سربازان پشتیبان نظام آمریکا در قندهار افغانستان به بهایهای جاسوسی می‌موسوم به «لک هورنت» مجهز شدنددر چنین شرایطی، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ «لگت» سخنگوی نیروهای آمریکایی در افغانستان گفت: آنچه درباره تغییر در اختیارات و عملیات نیروهای آمریکایی در افغانستان گفته می‌شود، مربوط به نظامیان افغان نباشد.

نداردوی اخبارمنتشرشده درباره محدود شدن عملیات نیروهای آمریکایی در افغانستان را رد کرد و افزود: نه تغییراتی اعمال کردیم. در این حال، منابع غیررسمی اعلام کردیم: ما مذاکراتی بین نمایندگان طالبان و آمریکا داریم. این گفت‌وگوها در جریان آخرین پخشیه در ۱۸ سال گذشته سربازان پشتیبان نظام آمریکا در قندهار افغانستان به بهایهای جاسوسی می‌موسوم به «لک هورنت» مجهز شدنددر چنین شرایطی، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ «لگت» سخنگوی نیروهای آمریکایی در افغانستان گفت: آنچه درباره تغییر در اختیارات و عملیات نیروهای آمریکایی در افغانستان گفته می‌شود، مربوط به نظامیان افغان نباشد.

نداردوی اخبارمنتشرشده درباره محدود شدن عملیات نیروهای آمریکایی در افغانستان را رد کرد و افزود: نه تغییراتی اعمال کردیم. در این حال، منابع غیررسمی اعلام کردیم: ما مذاکراتی بین نمایندگان طالبان و آمریکا داریم. این گفت‌وگوها در جریان آخرین پخشیه در ۱۸ سال گذشته سربازان پشتیبان نظام آمریکا در قندهار افغانستان به بهایهای جاسوسی می‌موسوم به «لک هورنت» مجهز شدنددر چنین شرایطی، کمیته بین‌المل



سرتیپ دوم خلبان دکتر نیک بخش حبیبی

رازهای حج

۷



مهندس حسین مجیدی

شهرهای ایران باستان

۶



گفتگو با کلود پیکاسو فرزند پابلو پیکاسو

فکرمی کردند دیوانه است!

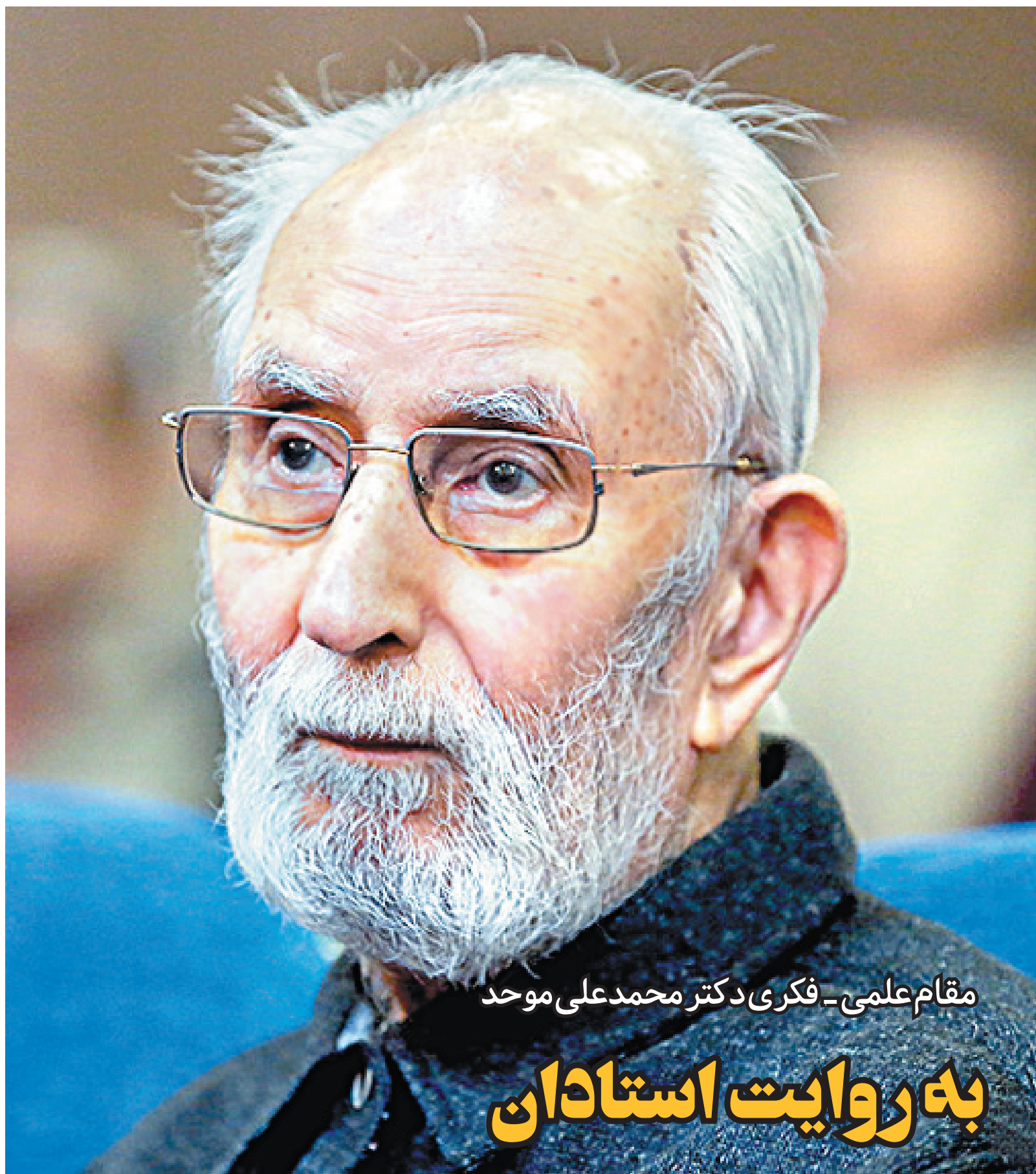
۳



۴۱۰

ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات

چهارشنبه ۲۳ مرداد ۱۳۹۸ - سال نود و چهارم - شماره ۲۷۳۵۴



مقام علمی - فکری دکتر محمد علی موحد

به روایت استادان

معرفی کتاب «قدرت پیامبر» (ص)

نگاهی به تکوین اسلام



گابریلی، فرانچسکو (Francesco Gabrieli) (۱۹۰۴ - ۱۹۹۶) -

در روز ۲۷ آوریل ۱۹۰۴ در شهر رم به دنیا آمد، پس از تحصیل در دبیرستان، نزد پدرش به آموختن زبان عربی پرداخت. سپس نزد کارلو (Carlo) در دانشگاه رم به ادامه تحصیل در شرق شناسی و اسلام شناسی پرداخت و در کنار تحصیل به آموختن زبان های ترکی، فارسی روی آورد. ضمناً زبان های انگلیسی، فرانسه و آلمانی را نیز خوب می دانست، او پس از سال ها تدریس و تحقیق درباره تاریخ اسلام در دانشگاه پالمو (Palermo) و انستیتو شرق شناسی شهر ناپل به درجه استادی در رشته اسلام شناسی نایل آمد و تا پایان زمان بازنشتگی در شهر رم زندگی می کرد. او عضو بسیاری از انجمن های علمی و آکادمی های ایتالیا و پژوهش های بین المللی بود و در شورای علمی دایرةالمعارف ایتالیا نیز شرکت داشت. پس از جنگ جهانی دوم در نجات و اداره انستیتو شرق شناسی شهر ناپل، بسیار کوشید، ضمناً بنیانگذار انستیتو مطالعات اسلام شناسی در رم بود و مدت ها نیز ریاست آن را به عهده داشت. وی به خاطر زحماتش در شرق شناسی، جایزه بالزان (Balzan) را دریافت کرد. او با مطالعات و تالیفاتش در مورد اسلام شناسی، یکی از بزرگترین شرق شناسان زمان خود در اروپا شد. وی در روز ۱۳ ماه دسامبر ۱۹۹۶ در رم در گذشت. عمده تالیفات او عبارتند از: شاعران دوره اول اسلامی، شعر عرب، سالنامه اسلامی، اسلام در تاریخ، داستان تاریخی عرب و اسلام در ایتالیا، اعراب و محمد (ص) و فتوحات اعراب (مسلمانان).

محمد (ص) می پردازد و می گوید با این که تاریخ صحیحی از تاریخ تولد او در دست نیست ولی به طور مشهود در سال ۵۷۰ میلادی یعنی سال عام الفیل در شهر مکه به دنیا آمد. او اشاره به نشانی های تولد او از جمله خاموش شدن آتش در قصر تیسفون می کند و می گوید که او از خانواده ای متواضع بود. وقتی که هنوز به دنیا نیامده بود، پدرش «عبدالله» در گذشت.

مادرش نیز وقتی او شش سال داشت، از دنیا رفت و او تحت سرپرستی عمویش ابوطالب بزرگ شد. سپس نویسنده درباره شهر مقدس مکه و وضعیت بت های آن و اطاق کعبه و سنگ حجرالاسود سخن می گوید: مکه شهری تجاری بود و محمد (ص) نیز مثل جوانان دیگر مشغول تجارت شد و بعد در ۲۵ سالگی برای خدیجه کار می کرد، خدیجه متوجه صداقت و امانت داری او شد و با او ازدواج کرد.

نویسنده اشاره می کند وقتی که محمد (ص) برای مدیتیشن به کوه «حرا» می رفت، ناگهان به او وحی شد که بخوان به نام پروردگارت. در این زمان بحرانی، خدیجه یار و یاور او بود. محمد طبق دستور وحی مردم را به راه راست هدایت کرد و برای آنها از خداوند یکتا، روز جزا، عدالت و خدمتگزاری و نیکی صحبت می کرد.

اسلام یعنی تسلیم به امر (ص) خدا و عمل به دستورات آن. اولین کسانی که به دین اسلام گرویدند، خدیجه و علی بودند. در سال ۶۱۵ میلادی گروهی از پیروان او که حدود ۸۰ نفر بودند به کشور حبشه مهاجرت کردند، چون دین مسیح در آنجا ترویج می شد و به آیین اسلام بسیار نزدیک بود.

مؤلف یادی نیز از سال های دشوار پیامبر بعد از فوت خدیجه و عمویش ابوطالب می کند. سپس صحبت از مبارزات محمد (ص) در شهر مکه می شود که علیه بت پرستان جبهه می گرفت و سعی داشت آنها را از افکار و تصورات غلط پدران بیرون آورد و به جای آن ها خداوند خالق عادل یکتا و زندگی جاودانی و روز رستاخیز را معرفی کرد.

ادامه دارد



• شهرام تقی زاده انصاری

معرفی کتاب «قدرت پیامبر ص»

مؤلف: فرانچسکو گابریلی استاد دانشگاه رم

انتشارات: آگوستونی (ایتالیا) (۱۹۹۹)

مقدمه: پروفسور فرانچسکو گابریلی (۱۹۰۴ - ۱۹۹۶) از دانشمندان و اساتید اسلام شناسی و زبان عربی دانشگاه برجسته رم، سال ها مشغول تحقیق در تاریخ اسلام و گسترش آن بوده است. او در این کتاب سعی کرده است، ضمن ارائه محتوای دین اسلام، چگونگی پیدایش و گسترش آن را نیز در آسیا، آفریقا و اروپا نشان دهد. علاوه بر آن در این کتاب، بخشی را به «قرآن در تاریخ» اختصاص داده است که نشانگر روح علمی اوست. او سیر تکاملی نگرش به قرآن را در اروپا توصیف کرده و دیدگاه های جدید و علت های آن را نیز توضیح می دهد. ضمناً او بخش آخر کتاب را نیز به «امپریالیسم اعراب» و وحدت آن اختصاص داده و ضمن توضیح و نقد آن، راهی نیز در پیش اعراب به عبارت دیگر مسلمانان قرن حاضر می گذارد. لازم به ذکر است که نویسنده بدون غرض در مورد اسلام و محمد (ص) قضاوت کرده که این مسئله نشان دهنده روحیه صادق و علمی اوست.

نظام جامعه اعراب و زمینه تاریخی آن: مؤلف ابتدا به این مسئله اشاره می کند که نمی توان به ارزش کارهای پیامبر اسلام و امتش پی برد بدون آنکه تاریخ وضعیت جامعه قبلی اعراب را بشناسیم. بخصوص باید سنت های جامعه ای را که پیامبر اسلام در آن به دنیا آمده است شناخت و بعد تحقیق کرد که حوادث تاریخی چگونه به وجود آمدند و پیامدهای آن چه بودند و پیامبر چگونه توانست آموزه های خود را اشاعه داده و دارای پیروان مؤمن شود.

مسئله دیگر مطرح شده، وضعیت یونان قدیم و رومی ها است که بخاطر دوری از شبه جزیره عربستان چندان تأثیری در آن ها نکرد ولی چون اعراب مردمی ناآرام بودند بیشتر به کاروان ها حمله می کردند و سرمرزها به دزدی می پرداختند. از طرف دیگر در جنوب این شبه جزیره، حوزه سلطنت ملکه صبا بود که دارای فرهنگ و تمدنی بودند. بنابراین در شمال شبه جزیره، مردم بدوی و فقیر زندگی می کردند و در جنوب آن، فرهنگ و تمدن وجود داشت که کاملاً با سایر نقاط عربستان فرق می کرد. پیامبر اسلام از قبیله ای بود که دارای قومی بدوی بود و در آنجا قوانین عشیره ای و بدوی اعمال می شد. سپس مؤلف به وضع اقتصادی این قوم اشاره می کند که شتر به عنوان یک وسیله نقلیه خوب دارای ارزش بسیاری بود چون می توانست در هوای گرم صحرا زندگی کند و مردم نیز می توانستند از گوشت آن استفاده کنند.

سنت های تاریخی: مؤلف به طور خلاصه برای توضیح وضع اعراب مشرک اشاره به دو مسئله مهم می کند؛ یکی اسناد و مدارک تاریخی بخصوص بعد از اسلام و دیگری مسئله شعر و شاعری اعراب که طبیعتاً بخاطر نقصی که در مدارک و استدلال های تاریخی وجود دارد، تحقیق در آن ها بسیار مشکل است. علاوه بر آنها مطالعه اسطوره ها و افسانه ها و قصه های قرآن نیز به ما برای تحقیق کمک می کند.

میراث فرهنگی قبل از اسلام: هسته اصلی ملت عرب در شرایط بد اقتصادی و اجتماعی شکل گرفت. شغل اعراب چوپانی، دزدی و مزدوری برای دولت ها بود و به این دلیل یا جنگجو بودند یا تجارت پیشه و یا رهبری کاروان ها را به دست می گرفتند و به ندرت دهقان یا کارگر حرفه ای بودند و به این دلیل توانست فرهنگی در آن جا شکل بگیرد. اعراب آن زمان بر خوردار از فردیت قومی بودند و از غیر عرب فاصله می گرفتند. آن ها آثارشیت آزاد بودند. در ادبیات شعری آن ها اشکالی از مدیحه سرایی، طنز، اشعار وصفی و عشقی وجود داشت که تأثیر بسیاری در ادبیات عرب بعد از اسلام گذاشت.

شرک، یهودیت و مسیحیت: به پاس خدمات محققان مسلمان می توانیم از وضع مذاهب آن زمان اطلاع حاصل کنیم. در مذاهب آن زمان ما شاهد چند خدایی و فیتیشسیم و آنیمیزم می باشیم. اعراب احترام خاصی به خدایان مختلف گذاشتند. از جمله بت های بزرگ آنها، لات و منات و هبل و عزی می باشد. سپس نویسنده اشاره به پیروان یهودیت در عربستان می کند که دارای همان زبان و فرهنگ بودند، ولی با آداب و رسوم مذهب یهودی زندگانی می کردند و اقتصاد و فرهنگ در پیشرفت مذهب اسلام نیز سهیم بودند. بالاخره نویسنده درباره پیشرفت و نفوذ مسیحیت قبل از پیدایش اسلام سخن می گوید و اضافه می کند که با نظر به اخلاق و افکار دگم مسیحیان می بینیم که تأثیر مثبتی در فرهنگ اعراب در اوایل پیدایش اسلام داشتند و نشانه های آن را ما در اخلاق و رفتار مسلمان ها می بینیم. با وجود آنکه اسلام مخالف تثلیث مسیحیان و بعضی عقاید آن هاست ولی آن ها را برادر دینی خود می دانست و برای آنها احترام و حق و حقوق قائل بود.

محمد (ص) در مکه: نویسنده ابتدا به تاریخ تولد و زندگانی

قلم انداز

اخبار ایران به روایت روبرتز

مداخله انگلیس و روسیه

اروپایی ها همگی ذخایر غذایی بزرگی داشتند، هر چند از این ذخایر نیز بسیار کاسته شد و البته هر چند که گرسنگی واقعی را هرگز تجربه نکردند! با این همه وضعیت آنها هم در اواخر محاصره بحرانی بود، زیرا دیگر ذخیره نان تمام شده بود. تخم مرغ، شیر و حتی مرغ هنوز قابل خریداری بود؛ اگر چه نرخ هر کالا به اندازهای بالا بود که عموم مردم پرداخت آن را نمی توانستند، اینک باید یادآور شوم که: روزی در تبریز یگانه گوشت، گوشت بوفالو بود. هم مان یگانه مشکل خانواده های اروپایی خدمتکارانی بود که در ایران نگهداری می شدند. چرا که باید برای آن ها هم غذا تهیه می شد.

سرانجام شهر تبریز با آمدن روس ها نجات پیدا کرد. علت ورود ساده ای آن ها به شهر چیزی نبود جز باز بودن جاده ها، پراکنده شدن ارتش نظامی، ناامیدی شاه، اعلام و ترویج مشروطه و منصوب شدن وزارت خانه ای مشروطه طلب.

این ویژگی ها تبریز را از برافراشتن پرچم تسلیم - و تن دادن به ذلت - نجات داد؛ نمی توانست بیش از سه روز مقاومت کند و به نام یگانه شهری زبانزد شود که: از فروپاشی کامل جنبش مشروطه مانع شده است.

من اقرار می کنم که اگر تاریخ را برپاشنه ای دیگر هم می چرخید، به هیچ وجه باور ندارم که پس از سقوط تبریز، رشت یا بختیاری در اصفهان علیه تهران متجاوزانه عمل می کردند. آن چه را بیشتر خردپذیر می دانم این احتمال است که شاه این پیروزی را مکرر کند و - به آرامی - همین نیروها را در اطراف اصفهان گردهم آورد و آن شهر را هم تا مرز تسلیم به قحطی و گرسنگی کشاند، در حالی که کشور هر روز در آنا رشیسم و بی نظمی بیشتر فرو می رفت.

انگلیس و روسیه در آخرین لحظه میوه های مشروع پیروزی را از او ربودند. تبریز در چنگ او بود و این مسئله را همه می دانند که دشمنی بین او و تبریز عمیق و دیرینه است و به سال هایی بر می گردد که او در آن شهر به عنوان ولیعهد زندگی می کرد. شاه زاده عین الدوله خودش به من گفت که: تصمیم براین پایه است که این شهر از هر افتخار تاریخی که دارد تهی و - به جای آن - ارومیه مرکز آذربایجان شود. براین پایه طبیعی است که شاه از اقدام روسیه به خشم آمده و باتوجه به سیاست روسیه در گذشته، فکر کند که: روسیه هم او را طرد کرده است.

به نظر من به سادگی می توان پذیرفت که نقش روسیه به عنوان منجی و مشروطه ایران، نقشی جدید - و بی سابقه - است. هیچ کس از طرح بدگمانی شگفت زده نمی شود. حداقل به گمانی هایی که ایرانیان دارند؛ در حقیقت مطبوعات روسیه با گفتمان ویژه ای در پیدایش آن بدگمانی ها سهیم بوده اند. جای تأسف است که قبل از رسیدن قوای روسیه شمار آن ها به صورت رسمی ۲۰۰۰ نفر تخمین زده می شد و بعدها ثابت شد که تعداد آن ها ۴۰۰۰ نفر است.

ضمناً به سادگی می توان قضاوت کرد که ژنرال کنسول روسیه در تبریز که در اوایل ماه آوریل منصوب شده بود، تا جایی که می توانست، از هیچ اقدامی برای خنثی سازی رسوبات و نتایج سیاست قدیمی دریغ نکرد. چرخشی صد درصد - و به طور کامل - صورت گرفته است و او در هر زمینه با همکاران بریتانیایی خویش همکاری می کند و به روابط حسنه میان انگلیس و روسیه وفادار است. پس از عزیمت آقای ام. هارت ویگ در تهران نیز تغییر و چرخشی برای یک دوره شش ماهه رخ نمود.

در تبریز و تهران به صورت شفاف و رسمی تعهد داده شده که هیچ هیئت اعزامی در سیاست داخلی، دخالت نمی کند و این هیئت ها کاملاً موقتی بوده و هزینه آن ها را روسیه می پردازد. با هر گونه اعتراض ایران در آینده، تبریز چندان نمک نشناس نیست که به این زودی به مقابله با روس ها برخیزد.

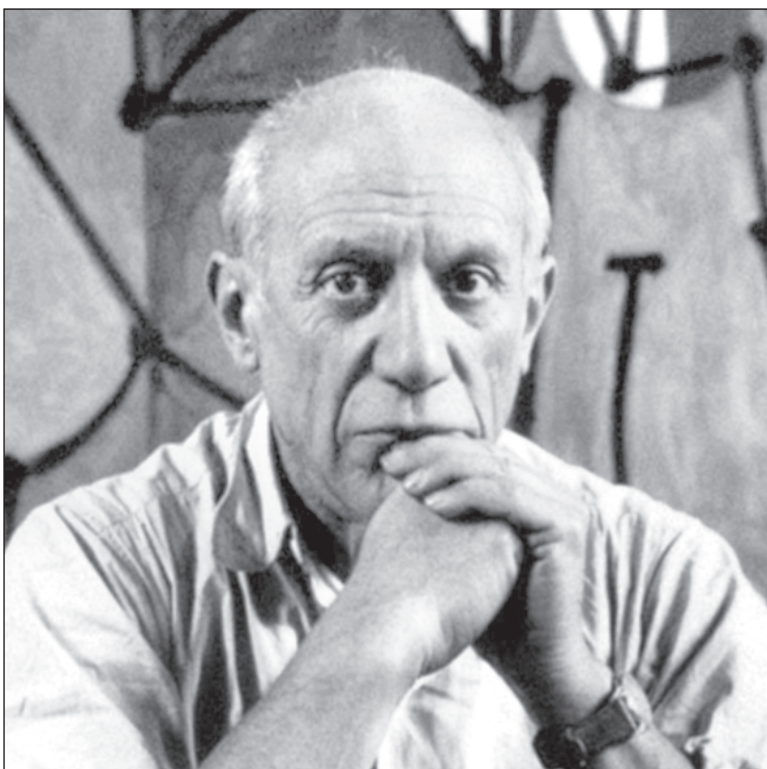
خرسندی مردم از ورود آن ها انکارناپذیر است. مردم مشروطه نمی خواستند، بلکه در پی نان بودند و اگر چه هیچ گونه علاقه ای به روسیه نداشتند، در آن گرسنگی کشنده اما نان را از هر دستی پذیرا بودند.

ادامه دارد

● ترجمه فاطمه مهدوی

گفتگو با کلود پیکاسو فرزند پابلو پیکاسو

فکر می‌کردند دیوانه است!



کلود پیکاسو، عکاس و سینماگر و فرزند پابلو پیکاسو و فرانسوا ژیلو، در سال ۱۹۹۷ و چند سال پس از درگذشت پدرش، در مصاحبه با شبکه بلومبرگ در پاریس، از پدرش می‌گوید، او در نیویورک عکاسی می‌کرد که پدرش را از دست داد. کلود، در پاریس زندگی می‌کند. کسی که می‌خواهیم در مورد پیکاسو - پدرش - با او گفتگو کنیم.

کلود برای ما از روزهایی که پس از مرگ پدرت اینجا بر تو گذشت بگو!

پیش از مرگ پیکاسو، اینجا در فرانسه قانونی تصویب شد که طبق آن شما می‌توانید مالیات را با ارائه آثار هنری یا مصنوعات تاریخی پرداخت کنی که آنها به میراث فرانسه اضافه می‌شوند. در نتیجه ما اول باید موجودی آثار او را چک می‌کردیم که کار عظیمی بود. او بیش از هفتاد هزار اثر از خودش بجا گذاشته و زمان زیادی طول کشید تا ما آنها را ارزیابی کنیم و از آنها برای کاتالوگها عکس بگیریم. بعد ما لیستی از آنها تهیه کردیم و با چند موزه دار ارتباط گرفتیم. ما تنها نمی‌خواستیم اینها را به دولت ارائه دهیم. می‌خواستیم موزه‌ای داشته باشیم که نشان دهنده تمام وجوه پیکاسو باشد.

انعکاس تمام کارهای او در طول زندگی

بله. باید عمیق می‌بود. ما باید جایی که می‌توانست شبیه به خانه‌ای برای پیکاسو شود ایجاد می‌کردیم. این خیلی سخت بود. در پاریس پرجمعیت ساختمانهای قدیمی وجود دارند ولی آنها هم در اختیار مراکز دولتی اند. در آخر ما رسیدیم به یک ساختمان قدیمی که تبدیل به مدرسه هنر و صنایع دستی شده بود. ما مودبانه از آنها خواستیم ساختمان را ترک کنند و آن ساختمان شد موزه پیکاسو.

چند اثر در آنجاست؟

پانصد اثر. همه در کنار یکدیگر. این ساختمان ممکن است از زیادی آثار منفجر شود! آنجا یک مکان راکد و مرده نیست. بسته به مناسبتها مراسمی خواهد داشت و در آنجا اتفاقاتی خواهد افتاد که بخواهید بیش از یکبار ببینید.

چرا او وصیتنامه ننوشت؟

چون خیلی اهل کاغذبازی نبود! او هنرمند بود، نه سفیر. بله مانند این است که بنویسد من از دور خارج شدم. این شیوه او در انجام کارها نبود.

هر روز یک نمایشگاه از پیکاسو در جایی پریا می‌شود. پارسال در نیویورک، در مومو پرتره‌های پیکاسو؛ الان که ما صحبت میکنیم در واشنگتن، جوانی پیکاسو؛ از زمان مرگش انگار انفجار رخ داده.

بله. این حقیقت جالبی است که از زمان مرگ پیکاسو، کتابهای زیادی در موردش منتشر شده و نمایشگاههای بیشتری برپا شده است. بیشتر شبیه به یک نوع شیدایی برای پیکاسوست تا علاقه به او. نامش شبیه به توره‌های راک اند رول دارد مرتب در شهرها می‌چرخد.

گاهی دو یا سه سالن مراسم در جاهای مختلف جهان داریم. دو یا سه نمایشگاه دائمی در جایی برپاست.

بله و هر نمایشگاه دیگری هم باشد قطعاً اثری از پیکاسو در آن هست و قطعاً او را شامل می‌شود. هر طرف که می‌چرخیم یک پیکاسو وجود دارد!

چطور مردم را از سواستفاده از نام و شهرت و چهره پیکاسو باز می‌دارید؟

چندسال پیش من توسط دادگاه فرانسه فراخوانده شدم. در نتیجه جلسه‌ای ترتیب دادم و قرارداد برای حقوق مولف در همه جای جهان بستم و در بعضی کشور نماینده دارم و حواسم به آنها

هست. من همیشه حواسم هست. باید تمام شبکه‌ها را دید. روزنامه‌ها را خواند. فیلمها را تماشا کرد و جلوی ساخته شدن بعضی از آنها را گرفت. این تنها بازداشتن نیست. باید آنها را به ساخت کارهای خوب نیز تشویق کرد. پس وقتی تو دنبال شرکای مناسب برای ساخت کارهای خوب هستی می‌توانی به بعضی بگویی تو مناسب نیستی و نباید این کار را انجام دهی و ما با تو کار نخواهیم کرد. یک چیز جالب که در این شیدایی برای پیکاسو ایجاد شده، این است که پیکاسو دیگر خودش یک برند است. معنا دارد. مانند کوکاکولا. مردم شروع کردند به مهر کردن اسم پیکاسو پای هر چیزی. این خیلی آزاردهنده است. ما یک برند نیستیم.

این «شیدایی برای پیکاسو» را توضیح می‌دهید؟ این شیدایی برای دیگر هنرمندان ایجاد نشد.

این خود او، زندگی و سبک زندگی جالب اوست که مردم دوست دارند. همچنین دخالت‌های سیاسی هم وجود دارد که بر تصورات عموم تأثیر گذار بوده است. او دنبال صلح بود و به زندانیان سیاسی کمک می‌کرد. در جنگ اسپانیا علیه فاشیستها فعالیت کرد. تمام اینها باعث جذب مردم می‌شود.

همچنین این که او دوران طولانی نقاشی کرد و خیلی هم زود شروع به آن کرد. از همان اوایل بسیار عالی بود. این باید باعث شده باشد که تو هم خیلی نقاشی‌های خوب دیده باشی و هم اثره کشیدن بسیاری از آنها شده باشی. یعنی بنشین آنجا و... تو می‌گویی نشست‌ها و حتما شنیده‌ای که من هیچ وقت ننشسته‌ام. به ندرت کسی برای پدر من نشست و اثره شده است چون این روش کار او نبود. او حس مشاهده‌گری دقیقی داشت و بر اساس حافظه‌اش نقاشی می‌کرد. در واقع این برای او نوعی اخلاق‌گری ایجاد می‌کرد که کسی روبه رویش بنشیند و تکان نخورد. خلاف این، او می‌خواست آزادانه نقاشی کند. او در نقاشی مبتنی یک تابستان کامل رفت و بعد از روی حافظه‌اش او را نقاشی کرد

و آن همان نقاشی‌ای بود که مبتنی در نوزده باری که نشسته بود تا نقاشی‌اش کنند می‌خواست و پیدا نمی‌کرد.

و بعد دوستانش نقاشی را دیدند و گفتند این تو نیستی و او گفت...

نه پدر من گفت. او گفت: «شاید الان نه اما تو بعداً شبیه نقاشی‌ات خواهی شد!»

این درست بود. بعداً شد. و مبتنی گفت: «این منم!» پیکاسو همیشه از طریق حافظه نقاشی می‌کرد.

این درست است. مردم، گرترو استاین را از روی نقاشیهای پدر من می‌شناسند تا از روی عکسهایش.

اولین خاطره‌ات از او چیست؟

من بچه کوچکی بودم. او نقاشی می‌کرد و مجسمه می‌ساخت که برای من بسیار جالب بود. من عادت داشتم مثل تمام بچه‌ها وسایلم را پرت کنم و بشکنم و او برعکس من علاقه داشت همه چیز را نگه دارد. او اسباب بازیهای من را جمع کرد و به استودیو برد و آن مجسمه معروف بابون و جوان را ساخت و من بسیار عصبانی بودم که چرا ماشین من را برداشته و آن را تبدیل به میمون کرده! بعدها فهمیدم کاری که او ساخته بسیار با ارزشتر از وسایل من بوده. کم کم خوشحال هم شدم اما آن موقع خیلی ناراحت بودم.

در تصاویری که از او هست، دیده می‌شود که پیکاسو با بچه‌ها تعامل دارد.

بله. او خیلی با بچه‌ها خوب بود. حتی با بچه‌های دیگر هم همینطور بود. خیلی رابطه ساده‌ای با آنها داشت. ما اوقات خوبی با هم داشتیم. او برای ما اسباب بازی می‌ساخت و این خیلی جالب بود. او برای ما اسباب بازی می‌ساخت بعد ما آنها را در کاتالوگ آثار هنری می‌دیدیم. در آخر همه آنها اثر هنری می‌شدند.

تو آدمهای بزرگ زیادی را می‌شناسی. تو متیس را می‌شناسی.

از نزدیک! هر بار از من می‌پرسند چه حسی داری که فرزند پیکاسو هستی و او چنین آدم بزرگی است و من هر بار می‌گویم من فرزند دو نفر هستم نه یک نفر. نمی‌توان فرزند یک نفر بود و باید پدر و مادر داشت. من همیشه خود را خوش شانس می‌دانستم چون میان بهترین آدمها بزرگ شدم و هنوز سعی دارم با این آدمها در ارتباط باشم. الان بیشتر. همانطور که می‌گویی «تو متیس را میشناسی؟» بله میشناسم.

فکر میکنی در ژن‌های تو علاقه به هنر وجود دارد؟

قطعاً. ما از اغلب مردم آسانتر هنر را یاد گرفته ایم. شاید بقیه از ما بیشتر بدانند اما برای آن دانستن زحمت بزرگتری کشیده‌اند. ما در یک استودیو هنری زندگی کرده ایم. بچه‌های زیادی در استودیوهای هنری زندگی کردند. ما خیلی استودیوهای هنری خوب دیده ایم. نمیدانم این چه چیزی به ما می‌دهد اما قطعاً باید چیزی داده باشد. اینها وجود دارد اما در مورد ژن‌ها نمی‌دانم.

پدربزرگ پدری من هم پروفیسور هنرهای زیبا بوده است. از طرف مادری، مرد کار و تجارت بوده است. این چه چیزی به ما می‌دهد؟ خوب است اما چه نتیجه‌ای می‌توان گرفت؟ مادر من هم نقاش و نویسنده خوبی است. شاید ما آسانتر هنر را بفهمیم و ستایش کنیم که خیلی از مردم در نزدیکی آن زندگی نمی‌کنند. من خیلی علاقمند به هنر قرن بیستم هستم. هنر قبل آن را ستایش می‌کنم اما نمی‌پسندم.

چون این هنر مدرن است که در آن زندگی کردی؟

چون این چیزی است که من هنر می‌دانم. حتی وقتی کودک بودم و با مادر و پدرم به لوور میرفتم. فکر می‌کردم «خب باشه، اینها خوبند» اما نقاشی آن چیزی بود که ما در خانه داشتیم و اطراف ما بود. آنچه در لوور بود، نقاشی نبود. چیز دیگری بود.

او در یک زمان روی چند اثر مختلف کار می‌کرد؟

بله. او روی کارهای مختلف کار می‌کرد. مجسمه‌ها و نقاشی‌ها... از یکی سراغ دیگری می‌رفت. همیشه دیالوگی بین آثارش بود. از یک مجسمه سراغ یک نقاشی می‌رفت و از روی آن بر می‌گشت به نقاشی و... او یکسری مجسمه را بر اساس یک نقاشی شروع می‌کرد و بعد چند بوم را در پشت مجسمه‌ها و آنها را پیش میبرد، بعد ناگهان رها می‌کرد و میرفت سراغ کار دیگری.

هر یک از نقاشی‌ها گذشته‌ای مانند چیزی که گفتی دارند. جز «دوشیزگان آوینیون» در موزه هنرهای مدرن که تا مدت‌ها بعد از کشیدنش آن را نشان نمی‌داد.

چون همه فکر میکردند او دیوانه است.

همه شامل جورج براک.

بله می‌گفت: «ما او را آویخته از دار پشت نقاشی‌ها پیدا خواهیم کرد.» متیس گفت: «دیدن این نقاشی مانند نوشیدن بنزین است.»

او در آغاز هیچ سلف پرتره‌های نمی‌کشید. جز این که او همیشه می‌گفت: «هر نقاشی انعکاسی از نقاش است.»

بله درست است. در تاریخ هنر خیلی از نقاشیها سلف پرتره را وقتی جوانند می‌کشند یا تن‌ها وقتی پیرند. یک زمانی بود که او نزدیک به پنجاه سال داشت و درگیر مشکلات خانوادگی زیادی بود. من فکر می‌کنم تا قبل از آن علاقه‌ای نداشت یا اینکه می‌خواست تاریخ هنر را همراهی کند. چون این چیزی بود که او با هنر مدرن شکافته بود و به گونه‌ای احساس مسئولیت می‌کرد.

او بعد از پنجاه سالگی‌اش شروع به بازسازی اربابان هنر در هنر مدرن کرد.

پایان

زایر آستان مولانا

ناصر تکمیل همایون

افادات فرهنگی استاد فرهیخته، جناب آقای محمدعلی موحد برای ملت شریف ایران، همانند بر خوردار ی زادگان خاک از سایه درخت تنومندی است که ریشه در خطه آزادمردان دلاور آذربایجان قهرمان دارد. همه جای ایران زمین را دلارامی و حیات می‌بخشد.

سایه این درخت مینویی نه تنها زمین اهورا آفرینش را درنور دیده، بلکه زمان تاریخ ساز و صبرورت تاریخ ساخته را نیز در برگرفته و به گونه‌ای عصاره فرهنگ و تمدن ملت پایدار، برزندگی جاودانه پیدا کرده است و شگفتی در این است که آن «آیت خجسته» پس از نود و چند سال بالندگی هنوز جوانی و سرزندگی و نوبایی و نوبخشی خود را از دست نداده است و هر گاه به سخنگویی و سخن نگاری می‌پردازد بی‌اختیار ارادتمندان خود را بر آن می‌دارد که بگویند «غزل گفتی و در سفتی بیا و خوش بخوان حافظ». محمدعلی موحد ادیب است، حقوقدان

است، اهل عرفان است، با مولوی دمساز است، هنر شناس است. سیاستگر نیست اما سیاست شناس است، وطن دوست است، آزادی خواه است و نفت و مسائل علمی، فنی و حقوقی آن را بدرستی می‌شناسد.

در این روزگار وانقسا «خواب آشفته نفت» را که بالای جان ایرانیان و طایای حیات غارتگران سلطه طلب است را بخوبی «تعبیر می‌کند» و بدرستی «شاهنامه آزادی» را می‌شناسد و الهامات ملی و راهگشای آن را با دقت تمام به نگارش درمی آورد. او مصدق را می‌شناسد و می‌شناساند و نوشته‌هایش برای نسل امروز ما و نسل‌های آینده از معتبرترین سندهای دفاع از استقلال ایران است.

نگارنده که خود را یکی از کوچک‌ترین شاگردان نهضت ملی ایران می‌داند و با آثار گوناگون محمد علی موحد در رشته‌های مختلف به اندازه وسع و درک خود بهره‌برداری کرده است با قدردانی فراوان از ایشان و در سپاس از آفریدگار پاک و بی‌مکسا که توفیق بر خوردار ی لازم را به او عنایت کرده، آن مرد بزرگ متعهد و مبارز، دانشمند و دانش پرور را چوئان بسیاری از بزرگان «السابقون السابِقون» در زمره «مقربون» بارگاه حقیقت و حقیقت گویی دانسته و با همه وجود او را حکیم محمدعلی موحد می‌شناسم و سعادت و به‌روزی مظلّم له را همواره آرزومندم.

به او بدشکاریم

استاد دکتر محمدعلی موحد شخصیت یگانه‌ایست

همچون نامش. این یگانگی هم دو جهت و وجهه دارد، یکی جنبه علمی و دیگری جنبه انسانی. از جنبه علمی باز هم می‌توان دوچهره مشخص برای ایشان قائل شد، چهره فتی است که مرتبط با مطالعات حقوق

و نفت و محبوق بین‌الملل است که در حوزه کاری من نیست و قادر به صحبت درباره آن نیستیم، هر چند که می‌دانم در این حوزه هم ایشان بحق موحد هستند. اما دومین چهره‌ای که از ایشان در ارتباط با فعالیت‌های علمی‌شان می‌بینیم در ارتباط با عرفان پژوهی است. مثنوی اثر سترگ و یگانه‌ای ست که تنها افراد ویژه و یگانه‌ای قادر به انجام کاری در ارتباط با آن هستند؛ افرادی نظیر فروزانفر، محمد تقی جعفری و در حال حاضر هم استاد محمدعلی موحد. رفتن به سوی مثنوی نیازمند دورخیزی ست همچون مطالعات جایی و اطلاعات وسیعی هم نیاز دارد که نمونه‌اش در استاد موحد جمع شده است.افرادی که به مثنوی نزدیک می‌شوند باید عرفان را خوب بشناسند و از همه مهم‌تر اینکه به زمینه‌های فکری‌اش نزدیک شوند و از سویی اسلام را هم خوب بشناسند. کلام و فقه و فلسفه بداندند و به شخصیت‌های اطراف مولانا هم اشراف و آگاهی خوبی داشته باشند و استاد موحد در شرایطی به سراغ مثنوی رفته‌اند که از همه این شاخص‌های مهم بر خوردار بودند. ایشان حتی از شخصیت‌های جانبی مولانا، همچون سلطان ولد پسر مولانا و همین

ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات



چهارشنبه ۲۳ مرداد ۱۳۹۸ - سال نودوپه‌چهارم - شماره ۲۷۳۵۴



مقام علمی- فکری دکتر محمدعلی موحد

به روایت استادان

بسیار برجسته دراین زمینه شناخته می‌شوند، نخستین کتاب «مقالات شمس تبریزی» است که بیش از سه دهه پیش از سوی انتشارات خوارزمی در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفت.

بی‌اغراق چه در آن زمان و چه امروز بهترین تصحیح از این مقالات به همت ایشان انجام شده است. بر مبنای این تصحیح اززشمند ویلیام چیتیک زندگینامه خودنوشت شمس تبریزی را نوشت که البته همه آن برگرفته از کتاب فارسی است چرا که او بخوبی بر زبان فارسی تسلط داشت و از سویی سال‌های بسیاری نیز ایران‌زندی کرده است.دومین اثری که به گمانم استاد موحد را در زمینه عرفان و ادب به چهره‌ای مطرح تبدیل کرده «فصوص الحکم» این عربی است که آن را ترجمه کرده‌اند.استاد موحد این کار را به کمک برادرشان استاد صمد موحد انجام داده‌اند که بعد از انتشار استقبال بسیاری از آن شد.

سومین کاری که به کوشش ایشان نوشته شده و نمی‌توان از آن چشم پوشی کرد تصحیحی است که بر مثنوی انجام داده‌اند که بی‌اغراق این تصحیح را می‌توان حسن ختامی بر تصحیح این کتاب سترگ دانست. ایشان این تصحیح را براساس شانزده – هفده نسخه انجام داده‌اند که در رأس آنها نسخه قونیه قرار دارد. استاد موحد این کتاب ارزشمند را طی سال‌ها اخیر و با همکاری گروه زبده و مجربی انجام داده‌اند. اتفاقاً طی همین روزهای اخیر به قلم دکتر سبحانی مطالبی در خصوص این تصحیح بارزش منتشر شده بود که مطالعه‌اش خالی از لطف نیست.

به گمانم با کاری که استاد موحد در تصحیح مثنوی انجام داده‌اند از این پس تصحیح مثنوی بی‌معنی است و هیچ ضرورتی در انجام آن احساس نمی‌شود. حدود چند سال قبل هم شاهد انتشار دفتر ارزشمندی که در این زمینه انجام داده‌اند هم از آن جمله هستند که برای من بواسطه علاقه‌مندی‌هایم دهه قبل مرتبط می‌شدند. اما اگر قرار باشد اشاره‌ای در دوره دبیرستان و دانشکده ادبیات بارها از



ازچپ به راست: استاد علوی، بخش مرکزی، شکل ماندگار

دبیران و استادان خود نام جناب دکتر محمدعلی موحد عمر این دوستی چندان طولانی نیست و در نهایت به چهارده – پانزده سال می‌رسد. از زمانی که اعضای جدید فرهنگستان زبان و ادب فارسی انتخاب شدند و ایشان هم در زمره آنان قرار گرفتند من از نزدیک استاد موحد را شناختم، هر چند که ایشان باید خیلی زودتر از اینها به عضویت این مرکز درمی آمدند.

از همان دوران هم طی جلسات دوهفتگی شورا با یک صندلی اختلاف، که اتفاقاً آن هم فاصله شیرینی است و مرتبط با استاد ادبیات کودکان و نوجوان، آقای هوشنگ مرادی کرمانی می‌شود، می‌نشیم. فروتبی و تواضع ایشان به حدی است که گاه تعجب اطرافیان را در پی دارد.

در پایان شاید بد نباشد به شعری اشاره کنم که چند سال قبل برای ایشان سروده‌ام، حالا که مراسم تقدیری برای استاد موحد برپا شده این رباعی را دوباره تقدیم ایشان خواهم کرد.

در دیر مغان هزار شاهد باشد

درمسجد صد هزار زاهد باشد

رندی ست که در دیر مغان است عزیز

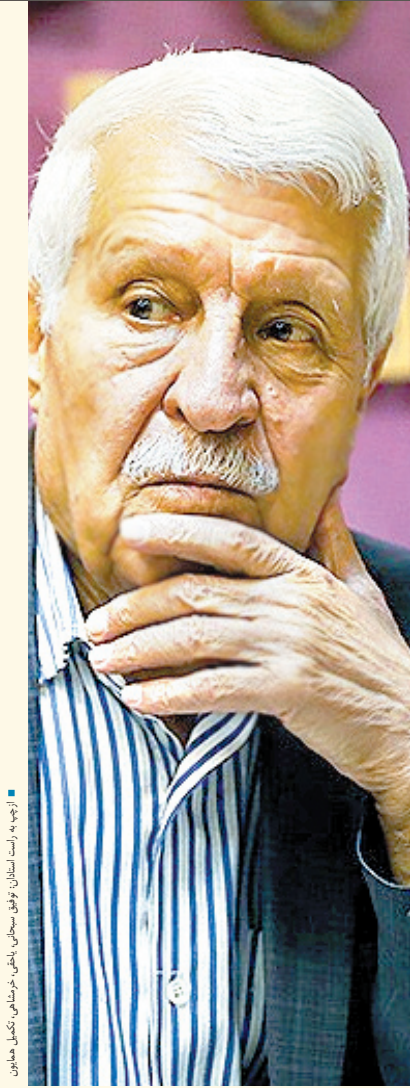
تردید نکن که او موحد باشد

مردی از تبار راستین مردان

توفیق سبحانی

«خدمت مولانا شمس‌الدین فرمود که پیش از این به حضرت حق تعالی تصرع می‌کردم که مرا به اولیای خوداختلاط ده و هم صحبت کن؛ به خواب دیدم که مرا گفتند که تو را با یک ولی هم صحبت کنیم، گفتیم: نیک است، کجاست آن ولی؟ شبی دیگر دیدم، باز شبی دیگر دیدم که گفتند در روم است؛ بعد از چندین مدت طلب، نیافتیم و ندیدم، گفتند که وقت نیايد هنوز، الا مور مرهونه باوقاتها؛ کارها در گرو وقت‌های خودند.»

در دوره دبیرستان و دانشکده ادبیات بارها از



بزرگ، مولانا شمس‌الدین محمدبن ملک داد تبریزی، به تصحیح و تعلقات احمد خوشنویس (عماد) دقیقاً انطباق نداشت. کتاب در سال ۱۳۴۹ شمسی به وسیله مطبوعاتی عطایی چاپ شده بود، نمایه نداشت. برآن کتاب نمایای در ۲۲ صفحه تهیه کردم، باز جواگبو نمود.

در سال ۱۳۵۶ شمسی تقریباً نصف مقالات، تحت عنوان مقالات شمس تبریزی، تصحیح و تعلیق محمدعلی موحد را مؤسسه انتشارات علمی دانشگاه صنعتی شریف به چاپ رساند. نیمه دوم – یا بهتر است بنویسم که باقی کتاب در سال ۱۳۶۹ در شرکت سهامی انتشارات خوارزمی به چاپ رسید. عبارات مبهم که از چاپ ۱۳۴۹ برداشت‌بودم، از روی این کتاب اصلاح کردم.

من که پایی بومد استاد موحد را ببینم و نمی‌دیدم، نوشته‌هایشان را می‌خواندم، او را سالکی می‌یافتم که خود از خود می‌پرسد و خود پاسخ می‌گوید:

کیست؟ جوینده‌ای فرسوده پای

زاد راهم شوق و امید و نیاز

آشنایی من و مقصد بی‌نشان

فرستی کوتاه و راهی بس دراز

در میان جمع و دور از دوستان منظور من از نوشتن این سطرها آن است که اکثر کتابفروشی بودند، سرزدم و تصادفاً چاپ سوم از کتاب را در «هزاده» (مزایده) دیدم و خریدم. بی‌درنگ به استاد زنگ زدم که زحمت کبی کردن کتاب را نکنشد، که کتاب را یافته‌ام؛ الا مور مرهونه با وقاتها.

ترجمه را دوباره آغاز کردم و کار مقابله متن ترکی و اساس متون فارسی را از آغاز شروع کردم. در مقابله متن ترکی و متن اساس در مثنوی، دیوان کبیر و... وقت نیايد هنوز، الا مور مرهونه باوقاتها؛ کارها در گرو وقت‌های خودند.»

در دوره دبیرستان و دانشکده ادبیات بارها از

در کوچه باغ اندیشه / ۱۳۳

کریم فیضی

شطرنج‌بازی با خویشتن

داشته اصلی انسان ذهن است و ذهن ضعیف‌تر از آن است که قابل استناد باشد. ضعف و اشکال استناد کننده و استناد شونده همواره پیرامون میراث ذهن در حال چرخیدن است.

اگر عشق نبود چه بود؟ و اگر سخن عشق نبود، انسان چه حرفی برای گفتن داشت؟

به نظر می‌رسد ستون فقرات سیاست در معنای امروزین دروغ است. هرچه دروغ زیباتر، گوینده سیاستمدارتر!

چنین به نظر می‌رسد که مردها، عاشقان خوبی نیستند و زن‌ها معشوقه‌هایی خوب. اگر زن‌ها هم معشوقه‌های خوبی باشند، مردها عاشقان خوبی نیستند.

آنجا که نسیم عقل می‌وزد، طوفانی سهمگین بنیاد عشق را می‌لرزاند.

ما در سیاست و منظومه‌های پیرامونی آن با مجموعه‌ای از دروغ‌های زیبا و جذاب روبرویم که آزادی و عدالت و قانون تنها بخش کوچکی را تشکیل می‌دهد.

استعداد آدمی در به‌بازی گرفتن روح بی‌تظیر است؛ خطرناک‌ترین کاری که یک انسان در حق خودش می‌تواند انجام بدهد، همین به بازی گرفتن روح است.

جهان لانه روح نیست، روح لانه جهان است.

انتظاری نمی‌توان داشت از جامعه‌ای که متفکرانش با خودشان شطرنج بازی می‌کنند و از خودشان شکست می‌خورند!

در نگاهی ساده، انسان و زندگی حاصل ذره‌ها و لحظه‌هاست؛ ذره‌ها جمع شده‌اند انسان را ساخته‌اندو لحظه‌ها با تجمع‌شان زندگی را برافراشته‌اند. مرگ، ذره‌های وجود انسان را آزاد می‌کند و آنگاه زندگی فرومی‌پاشد.

جهان شعر خداست با دشت‌هایی وسیع با قلعه‌هایی مرتفع و با انسانی که شعر را عامل عقب‌ماندگی می‌داند!

باریک‌ترین مرز جهان میان خودخواهی و دیگرخواهی کشیده شده است: میان محبت به خود و محبت به دیگری. این همان مرزی است که میان عقل و عشق کشیده شده است.

اندوه وارد هر جسمی که شود، صاحب آن جسم را چوئان پرنده‌ای به قفس می‌اندازد. از این رو، هر گاه که دچار اندوه می‌شویم، در قفس غم تن به اسارت می‌دهیم.

برای خروج از حیطه غم راهی جز شادمانی وجود ندارد. شادمانی را لازم داریم تا زیر ساتور غم و اندوه قطعه قطعه نشویم.

آدمی باران خلقت است. قطره قطره می‌بارد و ذره ذره تبخیر می‌شود. قطره‌ای می‌بارد و قطره‌ای تبخیر می‌شود. قطره‌ای تبخیر می‌شود و قطره‌ای دیگر جایگزینش می‌گردد.

قطره‌هایی هستیم که بر فراز خلقت می‌باریم. آدمی می‌بارد و برای خلقت طراوت به بار می‌آورد.

آشوب‌ها و آشفتگی‌ها انسان را از خودش دور می‌کنند. برای

نزدیک شدن به خود، راهی جز نشانندن گرد و غبارهای ریز و درشت وجود ندارد.

انسان تا زمانی که کاملاً در درون خودش ته نشین نشده باشد نمی‌تواند معنا و مفهوم زندگی را درک کند. معنای زندگی در آرامش نمایان می‌شود.

درست به همان صورت که از ترکیب رنگ‌ها رنگ تازه‌ای زاده می‌شود، از ترکیب انسان‌ها نیز رنگ‌های تازه‌ای پدید می‌آید از آن رو که هر انسانی رنگی دارد و حاوی رنگی است.

در جهان و طبیعت، روح مشروط به جسم است. توان روح تا آنجا است که جسم یاری کند. آنجا که جسم یاری نکند چه کاری از روح ساخته است؟

تاریخ پر از شگفتی‌هایی است که راهی به فهم و کشفشان وجود ندارد. آنچه ما از تاریخ و شگفتی‌ها می‌دانیم، در برابر آنچه نمی‌دانیم کمی بیشتر از صفر است.

تمام خاک‌های عالم قادر به پوشاندن یک روح نیست. از آن رو که روح قابل دفن کردن نیست، روح دفن نمی‌شود.

هیچ چیز جایگزین زمان از دست‌رفته نمی‌شود و حق آن را ادا نمی‌کند. با این حال، زمان را باید با رضایت و شادمانی بدرقه کرد.

هیچ راهی جز شادمانه بدرقه کردن پرستوهای مهاجر زمان نداریم. تلخی با زمان، حاصلی جز اندوه‌های دردناک ندارد.

زمان مهاجر است، مانند پرستوهای مهاجر که با آمدن و رفتنشان واقعیت کوچ را تقسیم می‌کنند.

اگر خورشید نباشد و تابند، جهان یخ می‌زند و حیات از بین می‌رود. از سوی دیگر آدمی طاقت ماندن در معرض آفتاب را ندارد و همواره در جستجوی سایه‌ای است که او را از گزند آفتاب مصون دارد. چنین است داستان خلقت و انسان. آفرینش مهیب است و انسان ضعیف با تمام ضعف خویش پیوسته در حال کشف راهی است که زندگی‌اش را بر پهنه خلقت ادامه‌دار کند.

عقل‌های نیرومند در جوامع استبدادی محکوم به تخریب‌اند؛ یا تخریب می‌شوند، یا تخریب می‌کنند.

عقل و استبداد ناسازگارند. استبداد با عقل ناسازگار است و استبداد با عقل، ناسازگاری استبداد با عقل بیشتر از ناسازگاری عقل با استبداد است. از اینجا است که دست استبداد به جنایت گشوده می‌شود و به خون آلوده می‌شود.

کتاب در حال نگارش تاریخ هر روز و هر آن، در جستجوی تغییری بنیادین است. هیچ اتفاقی در تاریخ ناممکن نیست.

کسی که تاریخ را درست بشناسد، می‌داند که تاریخ را نمی‌شناسد.

آنچه از تاریخ می‌دانیم بخش‌هایی از گذشته‌های پراکنده است. حال آنکه تاریخ موجودی زنده است که هر روز ادامه می‌یابد و تجدید می‌شود.

زایر آستان مولانا

ناصر تکمیل همایون

افادات فرهنگی استاد فرهیخته، جناب آقای محمدعلی موحد برای ملت شریف ایران، همانند بر خوردار ی زادگان خاک از سایه درخت تنومندی است که ریشه در خطه آزادمردان دلاور آذربایجان قهرمان دارد. همه جای ایران زمین را دلارامی و حیات می‌بخشد.

سایه این درخت مینویی نه تنها زمین اهورا آفرینش را درنور دیده، بلکه زمان تاریخ ساز و صبرورت تاریخ ساخته را نیز در برگرفته و به گونه‌ای عصاره فرهنگ و تمدن ملت پایدار، برزندگی جاودانه پیدا کرده است و شگفتی در این است که آن «آیت خجسته» پس از نود و چند سال بالندگی هنوز جوانی و سرزندگی و نوبایی و نوبخشی خود را از دست نداده است و هر گاه به سخنگویی و سخن نگاری می‌پردازد بی‌اختیار ارادتمندان خود را بر آن می‌دارد که بگویند «غزل گفتی و در سفتی بیا و خوش بخوان حافظ». محمدعلی موحد ادیب است، حقوقدان

است، اهل عرفان است، با مولوی دمساز است، هنر شناس است. سیاستگر نیست اما سیاست شناس است، وطن دوست است، آزادی خواه است و نفت و مسائل علمی، فنی و حقوقی آن را بدرستی می‌شناسد.

در این روزگار وانفسا «خواب آشفته نفت» را که بالای جان ایرانیان و طلای حیات غارتگران سلطه طلب است را بخوبی «تعبیر می‌کند.» و بدرستی «شاهنامه آزادی» را می‌شناسد و الهامات ملی و راهگشای آن را با دقت تمام به نگارش درمی آورد. او مصدق را می‌شناسد و می‌شناساند و نوشته‌هایش برای نسل امروز ما و نسل‌های آینده از معتبر ترین سندهای دفاع از استقلال ایران است.

نگارنده که خود را یکی از کوچک‌ترین شاگردان نهضت ملی ایران می‌داند و با آثار گوناگون محمد علی موحد در رشته‌های مختلف به اندازه وسع و درک خود بهره‌برداری کرده است با قدردانی فراوان از ایشان و در سپاس از آفریدگار پاک و بی‌مکسا که توفیق بر خوردار ی لازم را به او عنایت کرده، آن مرد بزرگ متعهد و مبارز، دانشمند و دانش پرور را چوئان بسیاری از بزرگان «السابقون السابِقون» در زمره «مقربون» بارگاه حقیقت و حقیقت گویی دانسته و با همه وجود او را حکیم محمدعلی موحد می‌شناسم و سعادت و به‌روزی مظلّم له را همواره آرزومندم.

به او بدشکاریم

استاد دکتر محمدعلی موحد شخصیت یگانه‌ایست

همچون نامش. این یگانگی هم دو جهت و وجهه دارد، یکی جنبه علمی و دیگری جنبه انسانی. از جنبه علمی باز هم می‌توان دوچهره مشخص برای ایشان قائل شد، چهره فتی است که مرتبط با مطالعات حقوق

و نفت و حقوق بین‌الملل است که در حوزه کاری من نیست و قادر به صحبت درباره آن نیستیم، هر چند که می‌دانم در این حوزه هم ایشان بحق موحد هستند. اما دومین چهره‌ای که از ایشان در ارتباط با فعالیت‌های علمی‌شان می‌بینیم در ارتباط با عرفان پژوهی است. مثنوی اثر سترگ و یگانه‌ای ست که تنها افراد ویژه و یگانه‌ای قادر به انجام کاری در ارتباط با آن هستند؛ افرادی نظیر فروزانفر، محمد تقی جعفری و در حال حاضر هم استاد محمدعلی موحد. رفتن به سوی مثنوی نیازمند دورخیزی ست همچون مطالعات جایی و اطلاعات وسیعی هم نیاز دارد که نمونه‌اش در استاد موحد جمع شده است.افرادی که به مثنوی نزدیک می‌شوند باید عرفان را خوب بشناسند و از همه مهم‌تر اینکه به زمینه‌های فکری‌اش نزدیک شوند و از سویی اسلام را هم خوب بشناسند. کلام و فقه و فلسفه بداندند و به شخصیت‌های اطراف مولانا هم اشراف و آگاهی خوبی داشته باشند و استاد موحد در شرایطی به سراغ مثنوی رفته‌اند که از همه این شاخص‌های مهم بر خوردار بودند. ایشان حتی از شخصیت‌های جانبی مولانا، همچون سلطان ولد پسر مولانا و همین

ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات



چهارشنبه ۲۳ مرداد ۱۳۹۸ - سال نودوپه‌چهارم - شماره ۲۷۳۵۴



مقام علمی- فکری دکتر محمدعلی موحد

به روایت استادان

بسیار برجسته دراین زمینه شناخته می‌شوند، نخستین کتاب «مقالات شمس تبریزی» است که بیش از سه دهه پیش از سوی انتشارات خوارزمی در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفت.

بی‌اغراق چه در آن زمان و چه امروز بهترین تصحیح از این مقالات به همت ایشان انجام شده است. بر مبنای این تصحیح اززشمند ویلیام چیتیک زندگینامه خودنوشت شمس تبریزی را نوشت که البته همه آن برگرفته از کتاب فارسی است چرا که او بخوبی بر زبان فارسی تسلط داشت و از سویی سال‌های بسیاری نیز ایران‌زندی کرده است.دومین اثری که به گمانم استاد موحد را در زمینه عرفان و ادب به چهره‌ای مطرح تبدیل کرده «فصوص الحکم» این عربی است که آن را ترجمه کرده‌اند.استاد موحد این کار را به کمک برادرشان استاد صمد موحد انجام داده‌اند که بعد از انتشار استقبال بسیاری از آن شد.

سومین کاری که به کوشش ایشان نوشته شده و نمی‌توان از آن چشم پوشی کرد تصحیحی است که بر مثنوی انجام داده‌اند که بی‌اغراق این تصحیح را می‌توان حسن ختامی بر تصحیح این کتاب سترگ دانست. ایشان این تصحیح را براساس شانزده – هفده نسخه انجام داده‌اند که در رأس آنها نسخه قونیه قرار دارد. استاد موحد این کتاب اززشمند را طی سال‌ها اخیر و با همکاری گروه زبده و مجربی انجام داده‌اند. اتفاقاً طی همین روزهای اخیر به قلم دکتر سبحانی مطالبی در خصوص این تصحیح بارزش منتشر شده بود که مطالعه‌اش خالی از لطف نیست.

به گمانم با کاری که استاد موحد در تصحیح مثنوی انجام داده‌اند از این پس تصحیح مثنوی بی‌معنی است و هیچ ضرورتی در انجام آن احساس نمی‌شود. حدود چند سال قبل هم شاهد انتشار دفتر ارزشمندی که در این زمینه انجام داده‌اند هم از آن جمله هستند که برای من بواسطه علاقه‌مندی‌هایم دهه قبل مرتبط می‌شدند. اما اگر قرار باشد اشاره‌ای در دوره دبیرستان و دانشکده ادبیات بارها از



هم به دوستی‌ام با استاد داشته باشیم باید بگویم که عمر این دوستی چندان طولانی نیست و در نهایت به چهارده – پانزده سال می‌رسد. از زمانی که اعضای جدید فرهنگستان زبان و ادب فارسی انتخاب شدند و ایشان هم در زمره آنان قرار گرفتند من از نزدیک استاد موحد را شناختم، هر چند که ایشان باید خیلی زودتر از اینها به عضویت این مرکز درمی آمدند.

از همان دوران هم طی جلسات دوهفتگی شورا با یک صندلی اختلاف، که اتفاقاً آن هم فاصله شیرینی است و مرتبط با استاد ادبیات کودکان و نوجوان، آقای هوشنگ مرادی کرمانی می‌شود، می‌نشیم. فروتبی و تواضع ایشان به حدی است که گاه تعجب اطرافیان را در پی دارد.

در پایان شاید بد نباشد به شعری اشاره کنم که چند سال قبل برای ایشان سروده‌ام، حالا که مراسم تقدیری برای استاد موحد برپا شده این رباعی را دوباره تقدیم ایشان خواهم کرد.

در دیر مغان هزار شاهد باشد

درمسجد صد هزار زاهد باشد

رندی ست که در دیر مغان است عزیز

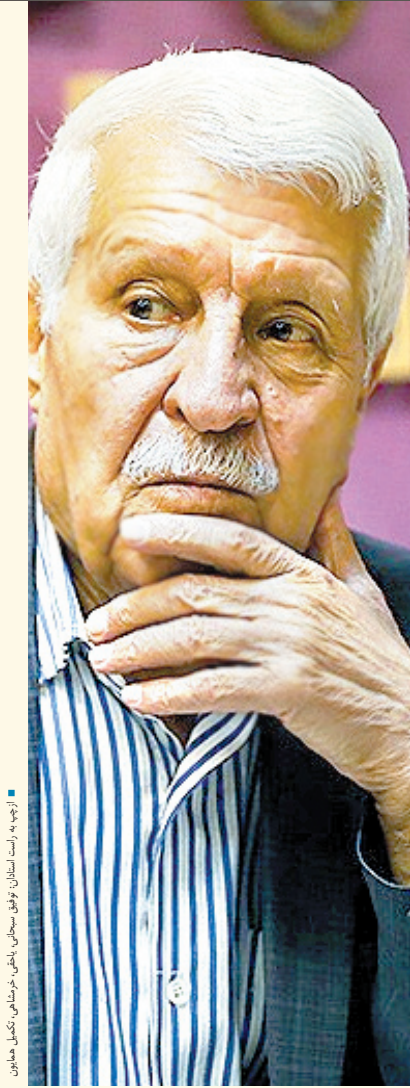
تردید نکن که او موحد باشد

مردی از تبار راستین مردان

توفیق سبحانی

«خدمت مولانا شمس‌الدین فرمود که پیش از این به حضرت حق تعالی تصرع می‌کردم که مرا به اولیای خوداختلاط ده و هم صحبت کن؛ به خواب دیدم که مرا گفتند که تو را با یک ولی هم صحبت کنیم، گفتیم: نیک است، کجاست آن ولی؟ شبی دیگر دیدم، باز شبی دیگر دیدم که گفتند در روم است؛ بعد از چندین مدت طلب، نیافتیم و ندیدم، گفتند که وقت نیايد هنوز، الا مور مرهونه باوقاتها؛ کارها در گرو وقت‌های خودند.»

در دوره دبیرستان و دانشکده ادبیات بارها از



دبیران و استادان خود نام جناب دکتر محمدعلی موحد را می‌شنیدم، می‌دانستم که ایشان اهل تبریزند و به زادگاه خود عنایتی خاص دارند و چنانکه می‌گفتند به تبریز زیاد سفر می‌کنند و در محافل علمی و دانشگاهی حضور می‌یابند.اما به موجب و فحوای مثل الا مور مرهونه باوقاتها، زیارت ایشان نصیب من نمی‌شد. قریب یک سال در تهران می‌گذراندم، در اکثر همایش‌ها و سخنرانی‌ها شرکت می‌کردم، باز دیدار میسر نشد.

در سال ۱۳۶۳ و چندماه‌ای از سال ۱۳۶۲ کتاب مولانا جلال‌الدین، زندگانی، فلسفه، آثار و گزیده‌ای از آنها، از مرحوم عبدالقایی گولپناریلی را ترجمه می‌کردم. بر آن بودم آن بخش‌هایی را که استاد از متون فارسی و عربی نقل کرده‌اند، از روی متون بردارم و نقل کنم، و از این‌رو به متن‌های اصلی مراجعه می‌کردم. در اکثر موارد در این باب موفق شدم و کتاب را از روی چاپ اول آن که به سال ۱۹۵۱ در استانبول چاپ شده بود، به فارسی بر گرداندم. کتاب ایشان در سال ۱۹۵۹ به چاپ سوم رسیده بود و نایاب بود. از این‌رو ترجمه را ادامه ندادم. در سال ۱۳۵۸ به خود استاد مراجعه کردم، خلاصه ایشان که فقط روزهای سه‌شنبه در کتابخانه سلیمانیه حضور پیدا می‌کردند، کتاب را آوردند. آن روز مسئول فتوکپی کتابخانه بود، تا آمدن ایشان من به «بیاض‌سرای» که در آن تاریخ پاساژ بزرگی بود که اکثر کتابفروش بودند، سرزدم و تصادفاً چاپ سوم از کتاب را در «هزاده» (مزایده) دیدم و خریدم. بی‌درنگ به استاد زنگ زدم که زحمت کبی کردن کتاب را نکنشد، که کتاب را یافته‌ام؛ الا مور مرهونه با وقاتها.

ترجمه را دوباره آغاز کردم و کار مقابله متن ترکی و اساس متون فارسی را از آغاز شروع کردم. در مقابله متن ترکی و متن اساس در مثنوی، دیوان کبیر و... وقت نیايد هنوز، الا مور مرهونه باوقاتها؛ کارها در گرو وقت‌های خودند.»

در دوره دبیرستان و دانشکده ادبیات بارها از

دربینان و استادان خود نام جناب دکتر محمدعلی موحد را می‌شنیدم، می‌دانستم که ایشان اهل تبریزند و به زادگاه خود عنایتی خاص دارند و چنانکه می‌گفتند به تبریز زیاد سفر می‌کنند و در محافل علمی و دانشگاهی حضور می‌یابند.اما به موجب و فحوای مثل الا مور مرهونه باوقاتها، زیارت ایشان نصیب من نمی‌شد. قریب یک سال در تهران می‌گذراندم، در اکثر همایش‌ها و سخنرانی‌ها شرکت می‌کردم، باز دیدار میسر نشد.

در سال ۱۳۶۳ و چندماه‌ای از سال ۱۳۶۲ کتاب مولانا جلال‌الدین، زندگانی، فلسفه، آثار و گزیده‌ای از آنها، از مرحوم عبدالقایی گولپناریلی را ترجمه می‌کردم. بر آن بودم آن بخش‌هایی را که استاد از متون فارسی و عربی نقل کرده‌اند، از روی متون بردارم و نقل کنم، و از این‌رو به متن‌های اصلی مراجعه می‌کردم. در اکثر موارد در این باب موفق شدم و کتاب را از روی چاپ اول آن که به سال ۱۹۵۱ در استانبول چاپ شده بود، به فارسی بر گرداندم. کتاب ایشان در سال ۱۹۵۹ به چاپ سوم رسیده بود و نایاب بود. از این‌رو ترجمه را ادامه ندادم. در سال ۱۳۵۸ به خود استاد مراجعه کردم، خلاصه ایشان که فقط روزهای سه‌شنبه در کتابخانه سلیمانیه حضور پیدا می‌کردند، کتاب را آوردند. آن روز مسئول فتوکپی کتابخانه بود، تا آمدن ایشان من به «بیاض‌سرای» که در آن تاریخ پاساژ بزرگی بود که اکثر کتابفروش بودند، سرزدم و تصادفاً چاپ سوم از کتاب را در «هزاده» (مزایده) دیدم و خریدم. بی‌درنگ به استاد زنگ زدم که زحمت کبی کردن کتاب را نکنشد، که کتاب را یافته‌ام؛ الا مور مرهونه با وقاتها.

ترجمه را دوباره آغاز کردم و کار مقابله متن ترکی و اساس متون فارسی را از آغاز شروع کردم. در مقابله متن ترکی و متن اساس در مثنوی، دیوان کبیر و... وقت نیايد هنوز، الا مور مرهونه باوقاتها؛ کارها در گرو وقت‌های خودند.»

در دوره دبیرستان و دانشکده ادبیات بارها از

در کوچه باغ اندیشه / ۱۳۳۰

کریم فیضی

شطرنج‌بازی با خویشتن

داشته اصلی انسان ذهن است و ذهن ضعیف‌تر از آن است که قابل استناد باشد. ضعف و اشکال استناد کننده و استناد شونده همواره پیرامون میراث ذهن در حال چرخیدن است.

اگر عشق نبود چه بود؟ و اگر سخن عشق نبود، انسان چه حرفی برای گفتن داشت؟

به نظر می‌رسد ستون فقرات سیاست در معنای امروزین دروغ است. هرچه دروغ زیباتر، گوینده سیاستمدارتر!

چنین به نظر می‌رسد که مردها، عاشقان خوبی نیستند و زن‌ها معشوقه‌هایی خوب. اگر زن‌ها هم معشوقه‌های خوبی باشند، مردها عاشقان خوبی نیستند.

آنجا که نسیم عقل می‌وزد، طوفانی سهمگین بنیاد عشق را می‌لرزاند.

ما در سیاست و منظومه‌های پیرامونی آن با مجموعه‌ای از دروغ‌های زیبا و جذاب روبرویم که آزادی و عدالت و قانون تنها بخش کوچکی را تشکیل می‌دهد.

استعداد آدمی در به‌بازی گرفتن روح بی‌تظیر است؛ خطرناک‌ترین کاری که یک انسان در حق خودش می‌تواند انجام بدهد، همین به بازی گرفتن روح است.

جهان لانه روح نیست، روح لانه جهان است.

انتظاری نمی‌توان داشت از جامعه‌ای که متفکرانش با خودشان شطرنج بازی می‌کنند و از خودشان شکست می‌خورند!

در نگاهی ساده، انسان و زندگی حاصل ذره‌ها و لحظه‌هاست؛ ذره‌ها جمع شده‌اند انسان را ساخته‌اندو لحظه‌ها با تجمع‌شان زندگی را برافراشته‌اند. مرگ، ذره‌های وجود انسان را آزاد می‌کند و آنگاه زندگی فرومی‌پاشد.

جهان شعر خداست با دشت‌هایی وسیع با قلعه‌هایی مرتفع و با انسانی که شعر را عامل عقب‌ماندگی می‌داند!

باریک‌ترین مرز جهان میان خودخواهی و دیگرخواهی کشیده شده است: میان محبت به خود و محبت به دیگری. این همان مرزی است که میان عقل و عشق کشیده شده است.

اندوه وارد هر جسمی که شود، صاحب آن جسم را چوئان پرنده‌ای به قفس می‌اندازد. از این رو، هر گاه که دچار اندوه می‌شویم، در قفس غم تن به اسارت می‌دهیم.

برای خروج از حیطه غم راهی جز شادمانی وجود ندارد. شادمانی را لازم داریم تا زیر ساتور غم و اندوه قطعه قطعه نشویم.

آدمی باران خلقت است. قطره قطره می‌بارد و ذره ذره تبخیر می‌شود. قطره‌ای می‌بارد و قطره‌ای تبخیر می‌شود. قطره‌ای تبخیر می‌شود و قطره‌ای دیگر جایگزینش می‌گردد.

قطره‌هایی هستیم که بر فراز خلقت می‌باریم. آدمی می‌بارد و برای خلقت طراوت به بار می‌آورد.

آشوب‌ها و آشفتگی‌ها انسان را از خودش دور می‌کنند. برای

نزدیک شدن به خود، راهی جز نشانندن گرد و غبارهای ریز و درشت وجود ندارد.

انسان تا زمانی که کاملاً در درون خودش ته نشین نشده باشد نمی‌تواند معنا و مفهوم زندگی را درک کند. معنای زندگی در آرامش نمایان می‌شود.

درست به همان صورت که از ترکیب رنگ‌ها رنگ تازه‌ای زاده می‌شود، از ترکیب انسان‌ها نیز رنگ‌های تازه‌ای پدید می‌آید از آن رو که هر انسانی رنگی دارد و حاوی رنگی است.

در جهان و طبیعت، روح مشروط به جسم است. توان روح تا آنجا است که جسم یاری کند. آنجا که جسم

یاری نکند چه کاری از روح ساخته است؟

تاریخ پر از شگفتی‌هایی است که راهی به فهم و کشفشان وجود ندارد. آنچه ما از تاریخ و شگفتی‌ها می‌دانیم، در برابر آنچه نمی‌دانیم کمی بیشتر از صفر است.

تمام خاک‌های عالم قادر به پوشاندن یک روح نیست. از آن رو که روح قابل دفن کردن نیست، روح دفن نمی‌شود.

هیچ چیز جایگزین زمان از دست‌رفته نمی‌شود و حق آن را ادا نمی‌کند. با این حال، زمان را باید با رضایت و شادمانی بدرقه کرد.

هیچ راهی جز شادمانه بدرقه کردن پرستوهای مهاجر زمان نداریم. تلخی با زمان، حاصلی جز اندوه‌های دردناک ندارد.

زمان مهاجر است، مانند پرستوهای مهاجر که با آمدن و رفتنشان واقعیت کوچ را تقسیم می‌کنند.

اگر خورشید نباشد و تابند، جهان یخ می‌زند و حیات از بین می‌رود. از سوی دیگر آدمی طاقت ماندن در معرض آفتاب را ندارد و همواره در جستجوی سایه‌ای است که او را از گزند آفتاب مصون دارد. چنین است داستان خلقت و انسان. آفرینش مهیب است و انسان ضعیف با تمام ضعف خویش پیوسته در حال کشف راهی است که زندگی‌اش را بر پهنه خلقت ادامه‌دار کند.

عقل‌های نیرومند در جوامع استبدادی محکوم به تخریب‌اند؛ یا تخریب می‌شوند، یا تخریب می‌کنند.

عقل و استبداد ناسازگارند. استبداد با عقل ناسازگار است و استبداد با عقل، ناسازگاری استبداد با عقل بیشتر از ناسازگاری عقل با استبداد است. از اینجا است که دست استبداد به جنایت گشوده می‌شود و به خون آلوده می‌شود.

کتاب در حال نگارش تاریخ هر روز و هر آن، در جستجوی تغییری بنیادین است. هیچ اتفاقی در تاریخ ناممکن نیست.

کسی که تاریخ را درست بشناسد، می‌داند که تاریخ را نمی‌شناسد.

آنچه از تاریخ می‌دانیم بخش‌هایی از گذشته‌های پراکنده است. حال آنکه تاریخ موجودی زنده است که هر روز ادامه می‌یابد و تجدید می‌شود.

شهرهای ایران باستان

● مهندس حسین مجیدی

دانشمند یهودی (اس.در.اس) در قرن پنجم پیش از میلاد نوشته است که شوش دارای ده محله است و هر محله دارای پنج خیابان شمالی جنوبی و پنج خیابان شرقی غربی است، هندسه شهر چنان منظم است که در هر یک از خیابانهای شهر را قرار گیرید می توان از دو طرف تا انتهای شهر را دید. شوش دارای مجرای فاضلاب است و این شهر یکی از شهرهای تمیز در جهان است.

نخستین پادشاه این سلسله اشک یکم و آخرین پادشاه بلاش ششم بوده که طی سال های ۲۵۶ پیش از میلاد تا ۲۲۴ میلادی به مدت ۴۷۶ سال و با حکومت سی و هشت پادشاه در پایتخت های صدر و زره و ری و هگمتانه و تیسفون حکمرانی داشته اند.

خاستگاه مکانی اشکانیان در شمال شرقی سرزمین ایران بوده که به صورت حکومت فدرالی و ملوک الطوائفی اداره می شده است. اشکانیان از قوم پارت بوده و از ایالت پارتیا که خراسان فعلی است، برخاسته اند.

طرح و شکل شهرهای دوران اشکانیان به صورت مدور با خیابان های به شکل شعاعی ساخته شده اند.

شرح کوتاهی از چهار شهر دوران اشکانیان شامل شهرهای ری و خوره اردشیر و دارابگرد و تیسفون بیان می گردد.

اول - ری باستان

شهر ری به شماره ۱۲۵ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. آثار موجود دیگر چون چال تلخان و مقبره بی بی شهربانو و آتشکده تیه میل و قلعه گبری در آن محدوده هم ثبت ملی شده اند.

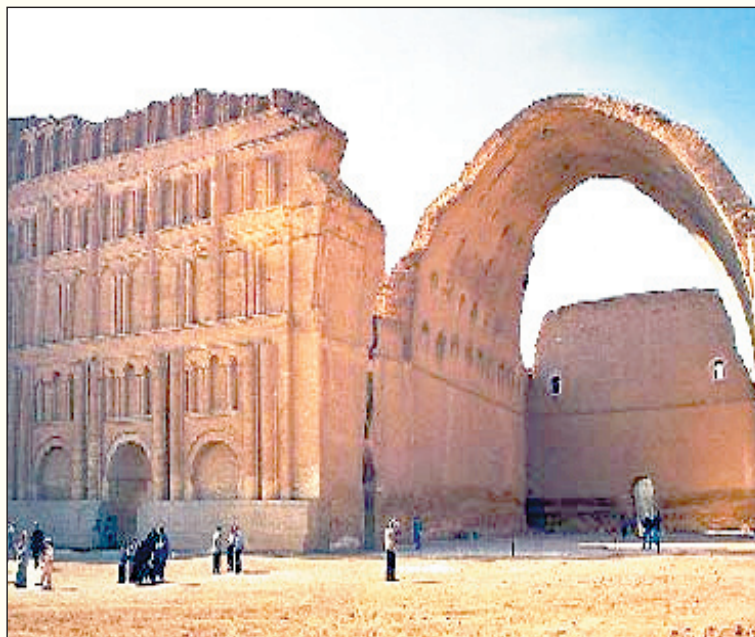
ری را مادر تهران دانسته اند. بنای اولیه و هسته اصلی این شهر کهن در اطراف چشمه علی (نهر سورن) واقع بوده است. نام های مهمی که در طول زمان در آن دوران برای ری باستان بیان گردیده است. در کتاب اوستا (رقه) و در کتیبه بیستون و در زمان هخامنشیان (رگا) و در دوران اشکانیان (ارشکیه) و در دوران ساسانیان (رام فیروز و رام اردشیر) نامیده شده است. این شهر تا مدت دو قرن جزو پایتخت های مهم پارتیان بوده و شاهان پارت اوقات خود را در آن شهر می گذرانده اند.

آثار زیادی از دوره پارتیان در ری وجود داشته که در اثر حوادث و گذشت زمان از بین رفته است. بنای باروی ری و دژ رشان و قلعه گبری از آثار فراوان دیگر به جای مانده از آن دوران است.

دوم - شهر خوره اردشیر

به عنوان بیست و سومین اثر ثبت شده میراث جهانی یونسکو در سال ۱۳۹۷ معرفی شده است. خوره اردشیر در سه کیلومتری غرب شهر فیروز آباد در استان فارس واقع گردیده، این شهر مطابق با سبک شهرسازی پارتی در اوایل حکومت ساسانیان ساخته شده و الگوی کلی این شهر کاملاً پارتی را داراست. می توان گفت که اصول و فرم این شهر از شهر دارابگرد برداشت گردیده و خصوصیات و ترکیب شهر، کاملاً اشکانی است. خوره اردشیر به معنی شکوه و جلال اردشیر است و به دست اردشیر اول در جایی که اردوان پنجم پادشاه اشکانی از پای درآمده بود، ساخته شده است.

این شهر مدور به قطر دو کیلومتر بوده و در جهات چهارگانه، چهار دروازه داشته است. اثرات این دروازه ها هنوز در محل تقاطع دیوارها با دو محور عمده ای که در مرکز شهر و دایره شهر را به چهار بخش تقسیم می سازد، قابل ردیابی است. نقشه خیابان ها شعاعی متحدالمرکز در داخل شهر و خارج آن ادامه دارد. در مرکز شهر خوره اردشیر، عمارت بلندی قرار دارد که ایوان یا کیافره می نامیده اند.



سوم - شهر دارابگرد

شهر باستانی دارابگرد در فاصله هفت کیلومتری جنوب غربی شهر داراب در استان فارس و در مجاورت روستای جمسی قرار دارد. شهر دارابگرد خندق و بارویی مستحکم با چهار دروازه در چهار سمت خود داشته و در وسط آن تپه ای سنگلاخی وجود دارد.

چهار محور منتهی به چهار ورودی و دروازه های شهر بر محوری نامنظم به صورت ضربدری بوده که آثار آن در بخش غربی و جنوبی شهر مشخص تر است. آثار پل باقیمانده در مقابل دروازه و در داخل خندق پیرامونی در قسمت غربی شهر موجود است. آثار خندقی به عرض حدود پنجاه متر که در بخش هایی از پیرامون باروی شهر قابل مشاهده است.

آثار موجود در محور دروازه غربی مشخص کننده ورودی اصلی شهر و محور تردد حاکم و ساکنان دژ بوده است. در مرکز شهر سه کوه با ارتفاع کم وجود دارد و بر بالای کوه بلندتر آثار باقیمانده از دژ و قلعه و مقرهای نگهبانی دیده می شود.

در پیرامون کوه مرکزی و به شعاع حدود دویست و پنجاه متر آثار متعدد تپه مانند وجود دارد که حکایت از فضاها و ساختمان های اصلی شهر می باشد که مدفون شده و به حال خود رها شده و هیچگونه حفظ و حراستی از این آثار دیده نمی شود.

چهارم - شهر تیسفون (تیسفون)

دوشهر تیسفون و به اردشیر در چهل کیلومتری جنوب شهر بغداد و در دوسوی رودخانه دجله در کشور عراق واقع شده اند. شهر تیسفون در زمان اشکانیان و شهر به اردشیر در دوره ساسانیان احداث گردیده اند. تیسفون منطقه ای بکر و دست نخورده ای است که تاکنون تحقیقات باستانشناسی به اندازه کافی در آن انجام نگرفته است.

تیسفون به احتمال قوی در دوره هخامنشیان آباد بوده است. با سرعت گرفتن وسعت قلمروی امپراتوری اشکانیان به همان نسبت تیسفون نیز رو به آبادانی و توسعه گذاشت و به علت حاصلخیزی خاک و فراوانی آب، قدمت تاریخی و احداث کاخ ها، بازارها و محل های سکونت و سایر ابنیه بر جمعیت آن افزوده شد و با بزرگترین پایتخت های جهان آن روزگار رقابت داشته است.

تیسفون در حدود ۷۰۰ سال چون نگینی بر تارک جهان شرق درخشیده و هنگام زوال، قدمتی هزارساله

داشت. تیسفون اولین پایتخت اشکانیان در بین النهرین است که بعدها تختگاه ساسانیان گردید. تیسفون دارای هفت محله بزرگ بوده است. تیسفون و وه اردشیر نزدیک یکدیگر و بر دو سوی دجله واقع شده اند.

بنای شهر در دوره خسرو اول کامل و باروها و حصارها و عمارت و کاخ ها ساخته شدند. در اواسط قرن پنجم میلادی مسیر رودخانه دجله تغییر و با عبور از میانه شهر آن را به دو قسمت تقسیم نمود. سیلاب ها و طغیان رود دجله موجب شد تا این شهر رونق اولیه خود را از دست بدهد. در شرایط حاضر استحکامات شهر با قطری در حدود سه کیلومتر به دو بخش نامساوی تقسیم شده و از شهر قدیم فقط دیوار هلالی باروی شهر باقی مانده است.

از تیسفون، پایتخت بزرگ و با شکوه ایران که مدت هفت قرن یکی از مهمترین مراکز سیاسی و علم و تمدن و اقتصاد جهان باستان بوده، جزء ویرانه طاق کسری و محوطه دست نخورده پیرامونی و آثار محدود باستانی که زینت بخش موزه های جهان است، خبری باقی نمانده است.

شهرهای دوره ساسانیان

امپراتوری ساسانیان توسط اردشیر یکم تأسیس و آخرین پادشاه آن یزدگرد سوم بوده است که طی سالهای ۲۲۴ الی ۶۵۱ میلادی به مدت ۴۲۷ سال با حکومت سی و نه پادشاه در پایتخت های بیشاپور، تیسفون، استخر، اردشیر خوره و شوشتر حکمرانی داشته اند و خاستگاه مکانی آنان، استان فارس بوده است.

ساسانیان اولین سلسله ای در ایران هستند که ایده ایراننشهر را به عنوان یک فکر سیاسی و هویت فرهنگی ایرانیان مطرح و اجرا می کنند. بدین سبب یکی از عناصر مهم شکل گیری این مفهوم پیدایش خدای نامه در زمان انوشیروان است. این همان کتابی است که شاهنامه فردوسی از آن سرچشمه گرفته است. تاریخ، ساسانیان را مبتکر اصول شهرسازی و معماری معرفی کرده و احداث شهرهای زیادی را به ویژه به شاهان اولیه ساسانی نسبت داده اند. حکمرانان هیچ سلسله ای به اندازه ساسانیان به ساخت شهر و عمران و آبادانی آن توجه نداشته اند.

شهرهای دوره ساسانیان طبق نقشه منظم و عموماً به شکل مستطیل و معابر شبکه بندی و شطرنجی بنیاد شده اند. شهرها دارای حصار و خندق

و هر شهری دارای کاربردی متفاوت از دیگر شهرها بوده است.

شهرهای استخر، ارگان، گواشیر، خوره شاپور، سپاهان، نیشابور، شوشتر، گندیشاپور و شهر بیشاپور ۹ شهر متعلق به این دوران می باشند.

یکم - شهر استخر

این شهر باستانی به شماره ۱۸ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. شهر استخر در هفت کیلومتری شمال تخت جمشید قرار دارد. این شهر خاستگاه دودمان سلسله ساسانیان بوده و امروزه این محوطه به تخت طاووس معروف است. شهر استخر در حاشیه رود پلوار و در کنار جاده مرودشت - ارسنجان واقع شده است. شهر استخر یکی از شهرهای آباد و مهم آن دوران و از بزرگترین و باشکوه ترین و پرجمعیت ترین شهرهای پارس بوده که از حدود شش قرن پیش از میلاد یعنی از زمان هخامنشیان آباد بوده و مرکز بازرگانی و سیاسی حکومت پادشاهان و امرای محلی پارس و جایگاه موبدان و دبیران و پیشوایان دین زرتشت بوده است.

شهر استخر دارای حصار و برج های استوار و محکمی بوده که از طریق چند دروازه با محیط پیرامون خود ارتباط داشته است. دور تادور حصار خندقی عمیق وجود داشته است. محدوده شهر استخر حدود هفتاد هکتار و شهر به شکل بیضی نامنظم است.

دوم - شهر ارگان

این شهر به شماره ۲۴ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. ویرانه های شهر ارگان در ده کیلومتری شمال شرقی شهر بهمنان در استان خوزستان قرار دارد.

شهر ارگان را قباد ساسانی پدر انوشیروان بنا نهاده و رونق و وسعت و مناظر طبیعی بسیار داشته است. در شمال شهر ارگ حکومتی و در میانه شهر بازار و آتشکده و در بخش جنوبی باغ ها قرار داشته اند.

مساحت شهر در حدود یکصد هکتار و در سه کیلومتری کوه بدیل واقع شده است. امروزه آثار چند تپه از آن شهر باستانی باقیمانده است. ساخت سد مارون و خاکبرداری وسیع شرکت آبیاری مارون و تسطیح کامل اراضی محدوده شهر باستانی توسط کشاورزان محلی در طی سالهای اخیر، خسارات فراوانی را به این شهر باستانی وارد نموده اند.

سوم - شهر گواشیر

قلعه دختر و قلعه اردشیر به شماره ۵۲۴ و (برج گبری جلیله) به شماره ۲۹۶ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. اردشیر بابکان سر سلسله و اولین پادشاه ساسانیان بنای این شهر را نهاد.

قلعه دختر و قلعه اردشیر از آثار آن دوران در شرق کرمان واقع است و گواه آن است که در زمان اردشیر در این محل شهری آباد با قلعه ای مهم وجود داشته است.

موقعیت منطقه پیرامون بنای گبریه که از سه جهت توسط ارتفاعات محصور گردیده و وجود قلعه اردشیر و قلعه دختر بر روی ارتفاعات مشرف بر دشت پایین دست به گونه ای است که تأمین امنیت و مسئله دفاعی شهر همانند دیگر شهرهای باستانی بسیار حساب شده و مناسب بوده است. امروزه اکثر این محدوده و اراضی به بافت مسکونی شهری و کاربری کشاورزی تبدیل شده است.

چهارم - شهر خوره شاپور

این شهر به شماره ۴۷ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است و در حدود پانزده کیلومتری شمال غربی شهر شوش در استان خوزستان قرار دارد. این شهر توسط شاپور دوم ساخته شده است.

شهر مستطیل شکل به پهنای یک کیلومتر و طول چهار کیلومتر است. در گذشته حصار استواری از خشت خام در پیرامون آن وجود داشته است. در کوی شاهی کاخی بزرگ و باغ هایی وجود داشته که مردم محلی آن را کوت کرخه می نامند. ادامه دارد



رازهای حج



● سرتیپ دوم خلیان دکتر نیک‌بخش حبیبی

اشاره: آنچه می‌خوانید، بخش دوم از مقاله پیرامون حج است که بخش نخست آن در شماره قبل منتشر گردید.

دو برابر آنچه انجام داده‌اند پاداش است و آن‌ها در غرفه‌های بهشتی [آسوده خاطر خواهند بود. ۳۳] «خذ من اموالهم صدقه تطهرهم و تزیينهم بها وصل عليهم ان صلوٰتک سکن لهم والله سمیع علیهم؛ از اموال آنان صدقه‌ای بگیر تا به وسیله آن پاک و پاکیزه‌شان سازی و برایشان دعا کن زیرا دعای تو برای آنان آرامشی است و خدا شنوای داناست. ۳۴»

به همین دلیل است که ملاصدرا کمترین نفع را برای رها کردن و وانهادن مال و دل از آن کردن، در حالات آخرت قائل است؛ چرا که اساس منزلت در آخرت، تقرب به خداوند، با ایمان و عمل صالح است، نه گسستن از علاقه به فرزند و مال؛ چون آن‌ها سبب تقرب به اعتراف آیه ۳۷ سبأ به خداوند نیستند بلکه آن دو می‌توانند موجب گرانباری برای سفر به سوی خداوند یا سبب تقرب و نزدیکی به او شوند. قربانی کردن در عید ضیافت حج یعنی قربان نیز اثری چون رهاکردن و پاک نمودن مال در خلال حج را دارد. قربانی کردن، پاک کردن خویش از دل‌بستگی‌ها و از بین بردن مانع و هر عامل بازدارنده و آزار دهنده در راه و مسیر حرکت به سوی حق است.

«لن ينال الله لحومها ولا دماؤها ولكن يناله التقوى منكم كذلك؛ گوشت و خون قربانی به خدا نمی‌رسد ولی پرهیزگاری شما به او می‌رسد. ۳۵»؛ یعنی تقوا شما را به خدا نزدیک می‌کند و می‌رساند. به عبارت دیگر آنچه موجب و عامل تقرب به خداوند است تقواست نه قربانی. قربانی کردن، حاجی را برای کسب تقوا در نتیجه تقرب بهتر و سریع‌تر سبک می‌کند و از گرانباری می‌رهاند.

چرایی دقت در انجام اعمال حج

چه ضرورتی است به انجام دقیق و بی‌کم و کاست اعمال حج، به گونه‌ای که هر عملی دقیقاً باید در لحظه مشخص صورت گیرد؟ چرا باید یک قدم از مزدلفه در غیروقت خودش و یا خطا و اشتباه در مناسک‌ش، حاجی را در احرام باقی گذارد و حشش را نامقبول کند؟

مناسک حج، تمرین بندگی و عبادتی در قالب و شکل دسته جمعی و با توده‌های مردم و نژادهای متفاوت از هم براساس خواست پیامبر است؛ تا انسان‌ها بیاموزند، فارغ از هر رنگ، زبان و نژاد قادرند در کنار هم باشند و زندگی کنند. خروج از نظم حج، نظم اجتماعی را در این عبادت یکپارچه برهم می‌زند.

از طرفی حج، هم «میقات» است و هم «میعاد». در میقات^{۳۶}، «مکان» عامل اصلی است؛ قرار قبلی در وعده‌گاهی مشخص. برای نشان دادن «وحدت» انسان‌ها در اصول دین، این مکان است که همه را به هم پیوند می‌دهد و واحد اجتماعی دینی را تشکیل می‌دهد. حج، «میعاد» هم هست. میعاد، به یکدیگر وعده دادن در زمان و مکان مشخص است؛ پس حج در محدودیت زمانی و مکانی، انسان‌ها را در یک نظم اجباری به انجام اعمال مشابه برای خداوند تمرین می‌دهد؛ گویی، همه تمرینی برای زندگی اجتماعی معنوی است که تخطی از آن نابخشوندی و غیرقابل قبول است. این همان چیزی است که شریعتی از آن به مجموعه‌ای از حرکات دسته جمعی به شکل اجتماعی واحد برای نمایشی از اجتماع بزرگ همه پیروان ابراهیم و اتصال زمان و مکان خاص در حج، تعبیر می‌کند.

حاجی مهاجر الی الله است

دین ابراهیمی و در ادامه دین محمدی (ص) در حج به هم می‌رسند. گویی ابراهیم خلیل (ع) آمده تا فقط پیروان محمد(ص) را حج آئین و مناسک بیاموزد و همه دین خدا را در حج به انسان مؤمن بیاموزد. آغاز همه این دانش و علم حضوری با هجرت و سفر از خویش به سوی او ولی با خلق است. ابراهیم(ع) را بنگرید که خود می‌گوید: «... آئی مهاجر الی ربی... ۳۷» از غرب ایران و بین‌النهرین تا سواحل مدیترانه و از آنجا تا عربستان در حکمت و هجرت بود. همسرش «هاجر» می‌شود و خودش «مهاجر».

و پیامبر ما هم که در هجرت اول، اصحابش را به حبشه می‌فرستد و آن‌ها را از آسیب‌ها و فشارها دور می‌کند و در هجرت بزرگ، خود هم اعلام جهاد علیه همه زشتی‌ها و فسادها می‌کند و یارانش را به صفت «مهاجر» می‌ستاید... و حج در تلاقی این دو آئین، حاجی را که همچون مهاجر است با خود از خانه و وطن خود به مدینه و از آنجا به مکه یا بالعکس می‌برد. پس باید همه به عنوان حاجی مسافر باشند و مهاجر، نمی‌بینی طواف یک «هاجر» در حجر اسماعیل با طواف خانه خدا یکی می‌شود. پاسداشت مقام هاجر در حج، نوعی ارج‌گذاری معنوی به مقام هجرت و حرکت و از خود گسستن و اتصال به خلق و از آنجا به خالق است. «والذین ءامنوا و هاجروا وجاهدوا فی سبیل الله... اولئک هم المؤمنون حقا لهم مغفرة ورزق کریم»^{۳۸}... جهاد چه اصغر و چه اکبر، بعد از هجرت معنا دارد. ایمانی که در آن هجرت و جهاد نباشد، ناقص است و بی‌تاثیر. مهاجر را صاحب مجمع البحرين چنین معرفی می‌کند: المهاجر: من هاجر ما حرم الله علیه؛ و المهاجر: من ترک الباطل الی الحق و فی الحدیث «من دخل الی الاسلام طوعا فهو مهاجر»^{۳۹}

«حاجی» به حقیقت یک «مهاجر» است؛ چرا که هم از حرام گریخته و از باطل به سوی حق آمده و هم با رغبت تمام در تسلیم حج، اسلام خود را اعلام کرده است. از طرفی نیز به قول «نبی اکرم(ص)» در وصیتش به حضرت علی(ع)... المهاجر من هاجر السیئات^{۴۰} حاجی نه از بیرون که از درون نیز باید مهاجر از پلیدی و ناپاکی باشد... همان که خداوند پیامبرش را به آن امر کرده است؛ «والرجز فاهجر» از آلودگی هجرت کن^{۴۱}.

تمرین همزیستی جهانی

آنچه در حج باعث شگفتی است کثرت نژادها،

افراد مختلف، عبادت، برخورد و ملاقات با هم، بدون هیچ‌گونه ناراحتی و دلخوری، حتی در موارد اتفاقی است. در اینجا به وفور، فضای برادری و اخوت دینی احساس می‌شود. آدمی در حج احساس می‌کند معجزه‌ای به وقوع پیوسته است که این همه دوستی و صمیمیت را که در سکوت، نگاه، رفتارهای بی‌کلام و با یک زبان و ادب و رفتاری مشترک قابل درک است، میان ملل مختلف و اقوام و نژادهای متفاوت از هم شاهد است. این الفت و مهربانی از معجزات و مواهب الهی است که آن را به رسولش نیز منت نهاده است: «والف بین قلوبهم لؤ انفقت ما فی الارض جمیعا ما ألفت بین قلوبهم ولكن الله ألف بينهم أنه عزیز حکیم»^{۴۲}

حج، دانشگاه علم حضوری

حج، دانشگاه علم حضوری، نه حصولی حقیقت عالم است. سه هزار سال است که حکما و فلاسفه و عرفا مشغول مکاشفه و مطالعه‌اند تا راه درست را پیدا کنند و خود را به خدا برسانند. به تعبیر شریعتی، نتیجه‌اش این بوده که هم خود گمراه شدند و هم میلیون‌ها تحصیل کرده را گمراه کرده‌اند.^{۴۳} ولی حاجی در حج برای درک حقیقت به پای استدلال چوبین آن‌ها نمی‌نشیند. او در علمی حضوری با مردم و در کنار مردم، خود را به راهی که به خانه «او» منتهی می‌شود، می‌رساند.^{۴۴}

«حج» تجلی سازمان ملل جهانی

«حج»، سازمان مللی است که اعضای آن نه خبرگان سیاسی و سیاستمداران طبقات حاکمه ملت‌هاست؛ بلکه مردم عادی و کوچه‌بازاری است که هر کدام به نمایندگی از ملت‌های خود منتها در شعار و شعائر واحد از ... لبیک اللهم لبیک ... در روز عرفه تا ... الحمدلله علی ما هدانا... در عید قربان از حقوق بندگی خود دفاع می‌کنند. قطعنامه پایانی این همایش جهانی، تمرین همزیستی مسالمت‌آمیز، بلکه بالاتر از آن، هم‌نشینی برادرانه در سایه رحمت و مغفرت الهی به مثابه بهشتی است که اینندگان را در پایان حج بشارت به آن دادند؛ چرا که... «حج» مقبول، پاداشی جز بهشت ندارد^{۴۵}.

چرا قرآن هر جا سخن از حج بوده «ناس» را با آن همراه کرده است؟ ... در جای که شرط حضور، ایمان است و تسلیم و مسلمان بودن، چگونه است که شرط «ناس» را مقدم بر «ایمان» قرار داده است؟ در حج یاش و با مردم و ناس آغاز کن و تمام کن... «ثم افيضوا من حیث افاض الناس... ۴۶» نه

تماشاچی و نه «ایستاده» و «برکنار». احرام چو بستی و بندی، حاجی، با مردم باش و بیا... که بشریت همچون رودخانه عظیمی است که در مسیر طبیعی و مقدر خویش پیش می‌رود و با وجود همه این پیچ‌وتاب‌ها، سدها و سنگ‌ها، انشعاب‌ها، انحراف‌ها و مرداب‌ها، راه خویش را می‌پیماید و خود را به دریای آرامش خواهد رساند؛ آنجا که وحدت، برابری و صلح را همچون پیوستن رود به دریا باز خواهد یافت.

آنان که (جدا از مردم و ناس) کناری نشستند و تنها، نقطه پیش روی خود را تماشا می‌کنند، نه از این مسیر و آن سرنوشت (پیوستن به دریا و آرامش) آگاهی می‌توانند یافت و نه اساساً از رود (بشریت) جز همین پیچ‌وتاب‌های بی‌جهت، عبث، گرداب و مرداب در این برهه از زمان چیز دیگری می‌توانند دید... (پس) تا هنگامی که در کنار رود ایستاده‌ای جز این نمی‌توانی یافت. برای اینکه بتوانی جنس و جوهر و حقیقت رود را به مکاشفه حس کنی و بفهمی و خط سیر رود را دریایی و سرنوشت آینده‌اش و جهت حتی و نهایی‌اش را بتوانی پیش‌بینی کنی، باید بر خیزی و در طول این رودخانه تا سرچشمه انسانیت به عقب برگردی تا (بتوانی) از «سرگذشت» به «سرنوشت» پیبری.

جامه پلوخوری و عبا و لباده مجلسی و ردای استادی، ادا و اطوار توریستی، عادات پر حرفی و وراجی و روشنفکر بازی و از دور نیم‌نگاهی انداختن و یکریز حکم صادر کردن، قیاس، برهان، منطق، دیالکتیک و ایدئولوژی مصرف‌کردن را دور بریز و خود را پاک، عریان، صادق به میان امواج (الناس) و قلب رودافکن؛ نه تماشاگر که شناگر این رود باش. آنگاه هم با تمام وجودت حس می‌کنی... می‌روی و احساس می‌کنی که در جریان و در مسیری؛ مسیری که نه با مباحثه، مطالعه، مشاجره، مجادله و از روی نقل و عقل و از طریق اشکال اربعه قیاس و یا به هم بافتن تز و آنتی‌تز و درآوردن سنتز پیش خود و پیش رفقای روشنفکر یا در خدمت استاد عالی‌مقام... بلکه با تجربه‌ای عملی به نور فطرت به خودآگاهی زاده و تلاش و اخلاص، تجربه، عشق به حقیقت و ایثار خویش آن را دریافته‌ای... «والذین جاهدوا فینا لنهدينهم سبیلنا و ان الله لمع المحسنین»^{۴۷}

در تاریخ انسانیت و تاریخ مردم (ناس)، روح و جواهر انسانیت همچون رود زلالی در فطرت مردم جاری است و مقدر است که به دریا برسد. تو اگر خود را در این روداندازی و شناگر آن باشی، تقدیر را انتخاب کرده‌ای و آنچه در پیشانی تاریخ نوشته است، سرنوشت تو نیز می‌شود.

این است که به نشانه این حرکت، سیل خروشان مردم در حج از عرفات به سوی مشعر در تنگه (منّا) جریان می‌یابد و مسیر حتمی و قطعی را می‌پیماید و سرمنزل‌های آینده‌اش مقدر و محتوم است. قرآن به تو نیز توصیه می‌کند که بر کناره مرو و در گوشه‌ای به نظاره مایست، حاشیه را مغیر؛ خود را در متن مردم جاری کن.^{۴۸}

پی‌نوشت:

- ۳۳- سبأ، ۳۷ // ۲۴- توبه، ۱۰۳ // ۲۵- حج، ۳۷. //
- ۳۶- «میقات» من ماده(وقت) بمعنی الزمان الذی یحدد لعل ما أو موعد. ناصر مکارم شیرازی، الامثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، ج ۱۷، ص ۴۷۰. // ۲۷- عنکبوت، ۲۶. // ۲۸- انفال، ۲۴. // ۲۹- فخرالدین بن محمد طریحی، مجمع‌البحرین، ج ۳، ص ۵۱۶. // ۳۰- فیض کاشانی، الوافی، چاپ اول، ۱۴۰۶، ج ۲۶، ص ۱۷۵. // ۳۱- مدثر، ۵. // ۳۲- انفال، ۶۳. // ۳۳- شریعتی، میعاد با ابراهیم، ص ۵۸۸. // ۳۴- «ثم افيضوا من حیث افاض الناس...»؛ بقره، ۱۹۹. // ۳۵- پیامبر اسلام (ص)؛ «حجه مبروره خیر من الدنیا و ما فی‌ها و حجه مبروره لیس له جزء الا الجنة»؛ به نقل از احیاء علوم الدین، ج اول، ۲۸۷. // ۳۶- بقره، ۱۹۹. // ۳۷- عنکبوت، ۶۹. // ۳۸- شریعتی، مدرک پیشین.

